

فهرست مطالب

۲	مقدمه
۴	چشمه سار حکمت (امام علی علیه السلام)
۵	علی (ع) در قرآن
۷	علی (ع) در احادیث نبوی
۹	علی (ع) در نهج البلاغه
۱۱	علی (ع) در تاریخ
۱۲	برگی از دفتر ویژگیهای علی (ع)
۱۵	علی (ع) از دیدگاه اندیشوران و صاحب نظران
۱۹	آشنایی با نهج البلاغه
۱۹	بافت کلی نهج البلاغه
۲۱	رمز جاودانگی نهج البلاغه
۲۴	نهج البلاغه از دیدگاه دانشوران و صاحب نظران
۲۸	گردآورنده نهج البلاغه «شریف رضی قدس سره»
۲۸	ولادت
۲۹	روای شیخ مفید
۲۹	مقام سید رضی در ادبیات عرب
۲۹	ملکات فاضله
۳۰	مناصب سید رضی
۳۰	سید رضی از نگاه دیگران
۳۱	درگذشت سید رضی

۳۲ سید رضی و گردآوری نهج البلاغه
۳۵ کتاب شناسی نهج البلاغه
۳۵ الف- نسخه های خطی
۳۷ ب- شرح و تفسیر
۳۸ ج- ابزار تحقیق
۴۱ د- ترجمه ها
۴۲ ح- مصادر (منابع و مدارک) نهج البلاغه
۴۳ و- متفرقه
۴۴ اسناد و مدارک نهج البلاغه

مقدمه

شاید برایتان پیش آمده باشد و اگر هم پیش نیامده، می توانید آنچه را می خواهم بگویم در ذهن خود مسجم سازید که سالها با فردی در یک کوی و محله زندگی می کنید، لااقل روزی یک بار او را می بینید و طبق عرف و عادت سلام و تعارفی می کنید رد می شوید، روزها و ماهها و سالها به همین منوال می گذرد ...

تا آنکه تصادفی رخ می دهد و چند جلسه با او می نشینید و از نزدیک با افکار و اندیشه ها و گرایش ها و احساسات و عواطف او آشنا می شوید؛ با کمال تعجب احساس می کنید که هرگز نمی توانسته اید او را آنچنان که هست حدس بزنید و پیش بینی کنید.

از آن به بعد چهره او در نظر شما عوض می شود، حتی قیافه اش در چشم شما طور دیگر می نماید، عمق و معنی و احترام دیگری در قلب شما پیدا می کند، شخصیتش از پشت پرده شخصش متجلی می گردد، گویی شخص دیگری است غیر آنکه سالها او را می دیده اید. احساس می کنید دنیای جدیدی کشف کرده اید.

برخورد من با نهج البلاغه چنین برخوردی بود. از کودکی با نام نهج البلاغه آشنا بودم و آن را در میان کتابهای مرحوم پدرم (اعلی الله مقامه) می شناختم. پس از آن، سالها بود که تحصیل

می‌کردم. مقدمات عربی را در حوزه علمیه مشهد و سپس در حوزه علمیه قم به پایان رسانده بودم. دروسی که اصطلاحاً «سطوح» نامیده می‌شود و نزدیک به پایان بود و در همه این مدت نام نهج‌البلاغه بعد از قرآن بیش از هر کتاب دیگر به گوشم می‌خورد. چند خطبه زهدی تکراری اهل منبر را آنقدر شنیده بودم که تقریباً حفظ کرده بودم، اما اعتراف می‌کنم که مانند همه طلاب و همقطارانم با دنیای نهج‌البلاغه بیگانه بودم؛ بیگانه‌وار با آن برخورد می‌کردم، بیگانه‌وار می‌گذشتم. تا آنکه در تابستان سال هزار و سیصد و بیست، پس از پنج سال که در قم اقامت داشتم، برای فرار از گرمای قم به اصفهان رفتم. تصادف کوچکی مرا با فردی آشنا با نهج‌البلاغه آشنا کرد. او دست مرا گرفت و اندکی وارد دنیای نهج‌البلاغه کرد. آن وقت بود که عمیقاً احساس کردم این کتاب را نمی‌شناختم و بعدها مکرراً آرزو کردم که ای کاش کسی پیدا شود و مرا با دنیای قرآن نیز آشنا سازد.

از آن پس چهره نهج‌البلاغه در نظرم عوض شد، مورد علاقه‌ام قرار گرفت و محبوبم شد؛ گویی کتاب دیگری است غیر آن کتابی که از دوران کودکی آن را می‌شناختم. احساس کردم که دنیای جدیدی کشف کرده‌ام.

شیخ محمد عبده، مفتی اسبق مصر که نهج‌البلاغه را با شرح مختصری در مصر چاپ کرد و منتشر ساخت و برای اولین بار به توده مصری معرفی کرد، مدعی است که اصلاً نهج‌البلاغه را نمی‌شناخته و نسبت به آن آگاهی نداشته است، تا اینکه در یک حالت دوری از وطن این کتاب را مطالعه می‌کند و سخت در شگفت می‌ماند؛ احساس می‌کند که به گنجینه‌ای گرانبها دست یافته است. همان وقت تصمیم می‌گیرد آن را چاپ کند و به توده عرب معرفی نماید.

بیگانگی یک عالم سنی با نهج‌البلاغه چندان عجیب نیست. عجیب این است که نهج‌البلاغه در دیار خودش، در میان شیعیان علی، در حوزه‌های علمیه شیعه «غریب» و «تنها» است همچنانکه خود علی غریب و تنهاست.^۱

^۱ - مرتضی مطهری، سیری در نهج‌البلاغه.

«قال امیرالمومنین(ع): وَ أَنَا لَأَمْرَاهُ الْكَلَامُ، وَ فِينَا تَنْشَيْتَ عُرُوقَهُ وَ عَلَيْنَا تَهَدَّتْ غُصُونُهُ»^۲ ما

فرمانروایان ملک سخنی و رگ و ریشه آن در میان ما استوار و شاخه‌هایش بر ما سایه افکنده است.»

نهج‌البلاغه بزرگ‌ترین اثر جاودانه در دایره فرهنگ، علم و اندیشه بشری است.

نهج‌البلاغه سخن و پیام مردی است که می‌فرمود: از من بپرسید پیش از آنکه از میان شما

بروم، من به راه‌های آسمان از راه‌های زمین آشناترم.^۳

برای شناساندن و معرفی این کتاب ارزشمند که دون کلام خالق و فوق کلام مخلوقش

خوانده‌اند، با این که تا کنون کتابهای فراوانی را نویسندگان متأخر و معاصر نوشته‌اند و در این

راه، زحمات طاقت فرسا و قابل تقدیری را متحمل شده‌اند، اما زمینه پژوهش و تحقیق برای

دیگران همچنان باقی است؛ زیرا نهج‌البلاغه دریایی بی‌کران و مملو از درّ و گوهرهای گران-

بهاست.

اکنون که به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(ره) تحول

فرهنگی عظیمی در جامعه پدید آمده و جوانان مسلمان و متدین، اقبال خاصی در جهت گسترش

فرهنگ دینی و آشنا شدن با متون دینی از جمله قرآن و نهج‌البلاغه از خود نشان داده‌اند، وظیفه

نویسندگان و گویندگان متعهد را دوچندان کرده است.

در خاتمه بر خود لازم می‌دانم از مساعدت اساتید محترمی که در تدوین این نوشتار

اینجانب را راهنمایی نموده‌اند سپاسگزاری نمایم و پذیرای پیشنهادات عزیزان می‌باشم.

چشمه سار حکمت (امام علی علیه السلام)

نهج‌البلاغه سخن و پیام رادمرد بزرگ عالم، مظهر علم الهی، دروازه شهر دانش نبوی و

سرچشمه دریای بی‌کران معارف انسان‌ساز، علی(ع) است که کسی را توان پرواز بر قله قاف

^۲ - نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳۳.

^۳ - نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۸.

فضایل و کمالاتش نیست؛ چه خود فرمود: «وَأَنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّيَّ مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَا يَنْحَدِرُ عَنِّي السَّيْلُ وَلَا يَرْقَى إِلَيَّ الطَّيْرُ؛» در حالی که او (ابوبکر) می دانست جایگاه من در حکومت اسلامی چون سنگ زیرین آسیاب است، سیلها و چشمه های علم و معرفت از دامن کوهسار وجودم جاری می گردد و مرغان دور پرواز اندیشه ها به افکار بلند من راه نتوانند یافت.»

بررسی فضایل و مناقب مردی چون علی (ع) عظمتی به مانند او می خواهد، که او را جز خدا و پیامبرش و رهبران معصوم نه کسی شناخت و نه قادر است وصف نماید. چه رسد به این ذره بی مقدار که بخواهد او را ثنا گوید یا بستاید.

ولی از باب این که:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید^۵

بخش هایی از فضایل آن امام همام از نگاه قرآن، احادیث نبوی، نهج البلاغه، تاریخ و دیدگاه اندیشمندان و صاحب نظران تقدیم می نمایم.

علی (ع) در قرآن

آیات فراوانی از قرآن کریم در شأن حضرت علی (ع) نازل شده که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱- حضرت علی (ع) پاک و منزّه از هر گناه و آلودگی

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»^۶؛ خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

^۴ - نهج البلاغه، خطبه ۳.

^۵ - مولانا، مثنوی.

^۶ - احزاب، ۳۳.

تمام مفسران شیعی و بسیاری از مفسران اهل سنت بر این باورند که این آیه در شأن خمسه طیه «پیامبر اکرم (ص)، علی (ع)، فاطمه (س)، حسن (ع) و حسین (ع)» نازل شده است.

۲- علی (ع) جان پیامبر (ص)

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»^۷؛ پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده با تو محاجه کنند بگو بیاید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و ما از نفوس خودمان و شما از نفوس خودتان را فرا خوانیم سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

آنگاه که پیامبر آمده مباحله با نصارای نجران شد، از میان زنان، فاطمه (س) و از فرزندان، تنها حسن (ع) و حسین (ع) و از نقش خویش فقط علی (ع) را به همراه برد تا با دشمنان مباحله کند و به تصریح روایات بسیار، مراد از «انفسنا» تنها علی بن ابی طالب (ع) است.

۳- علی (ع) جان فدای پیامبر (ص)

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ»^۸؛ و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می فروشد و خدا نسبت به [این] بندگان مهربان است. هنگامی که علی (ع) در شب هجرت پیامبر (ص) به سوی مدینه در بستر آن حضرت آرمید تا خطرها را به جان بخرد و وجود پیامبر (ص) از خطر محفوظ بماند، این آیه در شأن او نازل شده است. روایات زیادی از ابن عباس و دیگران مؤید این مطلب است.^۹

۴- علی (ع) ولی و سرپرست مومنان بعد از خدا و پیامبر (ص)

^۷ - آل عمران، ۶۱.

^۸ - بقره، ۲۰۷.

^۹ - رک: الغدير، ج ۲، صص ۴۸ - ۴۷.

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^{۱۰}؛

سرپرست و رهبر شما تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده و نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

روایات فراوانی در تفاسیر در ذیل آیه فوق نقل شده که مراد از کسی که در حال رکوع انگشتر به سائل داد علی(ع) است. گفتنی است آیات فراوان دیگری از قرآن در شأن علی(ع) نازل شده که در این خلاصه، مجال طرح همه آنها نیست. مشتاقان می‌توانند به کتاب پیام قرآن، جلد ۹، صفحه ۳۸۹-۱۷۷ مراجعه کنند.

علی(ع) در احادیث نبوی

فضایل بی‌شماری از زبان پیامبر اکرم(ص) برای علی(ع) نقل شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- نجات دوستان علی(ع) از آتش

قال رسول الله(ص): «لَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى حُبِّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَمَا خَلَقَ اللَّهُ النَّارَ ۱۱؛ اگر همه مردم در دوستی و ولایت علی بن ابی‌طالب(ع) مجتمع می‌شدند، خداوند متعال هرگز جهنم را نمی‌آفرید.»

۲- عذاب سخت دشمنان علی(ع)

قال سول الله(ص): «يَا عَلِيُّ، لَوْ أَنَّ أُمَّتِي صَامُوا حَتَّى يَكُونُوا كَالْحَنَائِيَا، وَصَلُّوا حَتَّى يَكُونُوا كَالْأَوْتَادِ، ثُمَّ أَبْغَضُوكَ، لَأَكْبَهُمُ اللَّهُ فِي النَّارِ ۱۲؛ ای علی! اگر افراد امت من آن قدر روزه بگیرند که همانند چله کمان، منحنی بشوند و آنقدر نماز بخوانند که چون میخ، خشک و لاغر شوند ولی تو را دشمن بدانند، خداوند آنان را به رو در آتش جهنم خواهد افکند.»

۱۰ - مائده، ۵۵.

۱۱ - علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۰۵.

۱۲ - ابن منظور، مختصر تاریخ دمشق، ج ۱۷، ص ۳۱۷.

۳- دوستی علی (ع) نشانه مومن در قیامت

قال رسول الله (ص): «عُنْوَانُ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُبُّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ»؛^{۱۳} سرلوحه

نامه عمل مومن در قیامت دوستی و ولایت علی بن ابی طالب است.»

۴- علی (ع) آینه تمام نمای انبیای گذشته

قال رسول الله (ص): «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ، وَ إِلَى نُوحٍ فِي فَهْمِهِ، وَ إِلَى يُحْيَى

بْنِ زَكَرِيَّا فِي زُهْدِهِ وَ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فِي بَطْشِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ»؛^{۱۴} هر کس

می خواهد به علم حضرت آدم و درک حضرت نوح و زهد حضرت یحیی بن زکریا و دلیری و سطوت

حضرت موسی بنگرد به علی بن ابی طالب نظر کند.»

۵- علی (ع) رهبر مردم بعد از پیامبر (ص)

قال رسول الله (ص): «يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَلِيُّ النَّاسِ بَعْدِي فَمَنْ أَطَاعَكَ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَ مَنْ عَصَاكَ

فَقَدْ عَصَانِي»؛^{۱۵} ای علی بعد از من تو رهبر و پیشوای مردم هستی، هر کس پیرو تو شد از من اطاعت

کرده و هر کس تو را پیروی نکند از من پیروی نکرده است.»

۶- دوستی علی (ع) نشانه طهارت مولد

قال رسول الله (ص): «يَا عَلِيُّ لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ، وَ لَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مَنْ خُبِثَتْ وِلَادَتُهُ

وَ لَا يُؤَالِيكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَ لَا يُعَادِيكَ إِلَّا كَافِرٌ»؛^{۱۶} ای علی! کسی تو را دوست نمی دارد مگر حلال زاده

و دشمن نمی دارد مگر حرام زاده و با تو دوست نمی شود مگر مومن و با تو دشمنی نمی کند مگر کافر.»

احادیث فراوانی از رسول گرامی اسلام درباره علی (ع) وارد شده است. در این باره می توانید

به جلد ۳۹ بحار الانوار و نیز کتاب شریف الغدير و تاریخ اسلام مراجعه فرمایید.

۱۳ - علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۲۹.

۱۴ - همان، ص ۳۹.

۱۵ - شیخ مفید، امالی، ص ۱۱۳؛ صادق احسان بخش، آثار الصادقین، ج ۱، ص ۱۸۶.

۱۶ - علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۰۰.

علی (ع) در نهج البلاغه

نهج البلاغه با همه عظمتش در مقام بیان فضایل و کمالات علی (ع) است. گرچه علی (ع) بر آن نیست که از خود بگوید و خویشتن را بستاید، ولی گاهی به ناچار از حقانیت، مظلومیت، سابقه، مبارزات و غم‌هایش می‌گوید. برای نمونه به چند جمله از آن حضرت از باب «آفتاب آمد دلیل آفتاب» اشاره می‌کنیم.

۱- ولادت با فطرت توحیدی

«... فَأَنِّي وَلِدْتُ عَلَى الْفِطْرَةِ، وَ سَبَقْتُ إِلَى الْإِيمَانِ وَالْهِجْرَةِ»^{۱۷}؛ ... زیرا من بر فطرت و سرشت

توحید زاده شده‌ام و در ایمان و هجرت، پیشتاز همه بوده‌ام.»

۲- تربیت شدن در دامان پیامبر (ص) و آموزش اخلاق الهی

«وَقَدْ عَلِمْتُمْ مَوْضِعِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) بِالْقَرَابَةِ الْقَرِيبَةِ، وَالْمَنْزِلَةِ الْخَصِيصَةِ. وَضَعَنِي فِي حَجْرِهِ

وَ أَنَا وَلَدٌ (ولید) يَضُمُّنِي إِلَى صَدْرِهِ، وَيَكْنُفُنِي فِي فِرَاشِهِ، وَيَمْسُنِي جَسَدَهُ، وَيَشْمُنِي عَرْفَهُ، وَ كَانَ

يَمْضَعُ الشَّيْءَ ثُمَّ يَلْقَمُنِيهِ. وَ مَا وَجَدَ لِي كَذِبَةً فِي قَوْلٍ، وَلَا خَطْلَةً فِي فِعْلٍ. وَ لَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ بِهِ (ص) مِنْ

لَدُنْ أَنْ كَانَ فَطِيمًا أَعْظَمَ مَلَكٍ مِنْ مَمَّ تَهَّ يَسْلُكُ بِهِ طَرِيقَ الْمَكَارِمِ وَ مَحَاسِنِ أَخْلَاقِ الْعَالَمِ، لَيْلَهُ

وَ نَهَارَهُ وَ لَقَدْ كُنْتُ أَتَّبِعُهُ أَتْبَاعَ الْفَصِيلِ أَثَرًا أُمَّهُ، يَرْفَعُ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عِلْمًا، وَ يَأْمُرُنِي

بِالْأَقْدَاءِ بِهِ»^{۱۸}؛ همه‌تان جایگاه مرا نزد رسول خدا (ص) می‌دانید. او مرا از روزهایی که نوزاد بودم به

دامن می‌نشاند و به سینه می‌چسباند، در بستر خویش پناهم می‌داد، بدنش را به بدنم می‌سایید و از عطر

دل‌آویزش بهره‌مند می‌ساخت، لقمه را می‌جوید و بر دهانم می‌گذاشت و هرگز در گفتارم دروغی نشنید

و در کردارم خطایی ندید. رسول خدا (ص) که از اوان شیرخوارگی، خداوند، بزرگترین فرشتگان را

بر او گمارد تا شب و روز او را به راه فضیلت‌ها و زیبایی‌های اخلاقی رهنمون باشد، من همواره -

^{۱۷} - نهج البلاغه، خطبه ۵۷.

^{۱۸} - نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

چونان بچه شتری که در پی مادر خویش است - به دنبال او بودم و او از اخلاق خویش هر روز برایم پرچمی برمی افراشت و به پیرویش فرمانم می داد.»

آری، علی(ع) تربیت شده دامان پیامبر(ص) و آموزنده اخلاقی بود که خدا به پیامبرش آموخته بود.

۳- دیدن نور وحی الهی و شنیدن صدای ناله شیطان در آغاز بعثت

«أَرَى نُورَ الْوَحْيِ وَالرَّسَالَاتِ، وَ أَشُّ رِيحَ النَّبُوءَةِ وَ لَقَدْ سَمِعْتُ رَنَةَ الشَّيْطَانِ حِينَ نَزَلَ الْوَحْيُ عَلَيْهِ(ص) فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَذِهِ الرَّنَةُ؟ فَقَالَ: هَذَا الشَّيْطَانُ قَدْ آيَسَ مِنْ عِبَادَتِهِ. إِنَّكَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ، وَ تَرَى مَا أَرَى إِلَّا أَنَّكَ لَسْتَ بِنَبِيٍّ، وَ لَكِنَّكَ لَوْزِيرٌ وَ أَنَّكَ لَعَلَى خَيْرٍ^{۱۹}؛ در آغاز بعثت، من به همراه پیامبر بودم و نور وحی و رسالت او را می دیدم و نسیم نبوت را استشمام می کردم. من به هنگام نزول وحی، صدای ناله شیطان را شنیدم و از رسول خدا(ص) پرسیدم: این ناله چیست؟ فرمود: این شیطان است که از پرستش خویش مأیوس گشته است. علی! تو آنچه را که من می شنوم و می بینم می شنوی و می بینی، ولی تو پیامبر نیستی، بلکه وزیر من هستی و بر طریق خیر قرار داری.»

۴- یاری کردن پیامبر(ص) و شکستن شاخ‌های عرب در نوجوانی

«أَنَا وَضَعْتُ فِي الصَّغَرِ بِكَلَاكِلِ الْعَرَبِ، وَ كَسَرْتُ نَوَاجِمَ قُرُونِ رِبِيعَةَ وَ مَضَرَ^{۲۰}؛ من در نوجوانی بزرگان و شجاعان عرب را به خاک هلاک افکندم و شاخ‌های «ربیع» و «مضر» (دو قبیله بزرگ عرب عدنانی) را (برای دفاع از اسلام) درهم شکستم.»

۵- شکوه از یاران بی وفا

«مَلَكَتْنِي عَيْنِي وَ أَنَا جَالِسٌ، فَسَنَحَ لِي رَسُولُ اللَّهِ(ص) فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَاذَا لَقِيتُ مِنْ أُمَّتِكَ مِنَ الْأَوْدِ وَ اللَّدَدِ؟ فَقَالَ: ادْعُ عَلَيْهِمْ فَقُلْتُ: أَبَدَلْنِي اللَّهُ بِهِمْ خَيْرًا مِنْهُمْ، وَ أَبَدَلَهُمْ بِي شَرًّا لَهُمْ مِنِّي^{۲۱}؛ همان‌گونه که نشسته بودم، خواب چشمانم را ربود، رسول خدا(ص) را دیدم، پس گفتم: ای رسول خدا!

^{۱۹} - نهج البلاغه، همان.

^{۲۰} - نهج البلاغه، همان.

^{۲۱} - نهج البلاغه، خطبه ۷۰.

از امت تو چه تلخی‌ها دیدم و از لج‌بازی و دشمنی آنها چه کشیدم؟ پیامبر(ص) فرمود: نفرینشان کن.
گفتم: خدا بهتر از آنان را به من بدهد و به جای من شخص بدی را بر آنها مسلط گرداند.»
سید رضی(ره) می‌گوید: کلمه «أود» یعنی کجی و انحراف و «لدد» یعنی دشمنی و خصومت از فصیح‌ترین کلمات است.

علی(ع) در تاریخ

بررسی زندگانی بزرگ مردی چون علی(ع) که از تاریخ‌سازان جهان به شمار می‌آید در نوشتاری که بنابر کوتاه‌نویسی آن است به هیچ روی مقدور نیست. از این رو، تنها به ذکر برخی از سرفصل‌های تاریخ زندگی آن حضرت بسنده می‌شود.

یک ذهن خواهم به پهنای فلک تا بگویم شرح آن رشک ملک

امام علی(ع) در صبح‌دهم سیزدهم رجب سال سی‌ام عام‌الفیل در درون خانه کعبه از مادری فداکار و پاک‌دامن به دنیا آمد. پدرش شیخ بنی‌هاشم و بزرگترین مدافع و حامی پیامبر(ص) بود. امام علی(ع) نخستین کسی بود که در ده سالگی به پیامبر(ص) ایمان آورد و پرچم حمایت از دین خدا را بر دوش کشید و در ۲۳ سالگی در شب هجرت (لیلة المبيت) در بستر پیامبر خوابید و آیه ۲۰۷ سوره مبارکه بقره در شأن او نازل شد و در ۲۵ سالگی در میدان نبرد «بدر» فداکاری کم‌نظیری از خود به نمایش گذاشت و در اندک زمانی به افتخار دامادی پیامبر و همسری سیده‌زنان جهان (فاطمه سلام‌الله علیها) نایل شد. پس از آن نیز در میدانهای مختلفی چون اُحد، خندق، خیبر، فتح مکه، حنین و ... بزرگترین یار و یاور پیامبر بود.

در سال دهم هجری در غدیر خم به جانشینی پیامبر(ص) از سوی خداوند، معرفی شد و پس از رحلت آن حضرت، متصدی غسل و تجهیز پیامبر(ص) گردید.

۲۵ سال خانه‌نشینی علی(ع) و تحمل دشواری‌های فراوان آن حضرت، ثمره تلاش‌های دنیاطلبانی بود که پس از پیامبر(ص) بر اریکه قدرت تکیه زدند....

پس از کشته شدن عثمان، مردم به دور خانه آن حضرت حلقه زده و با اصرار با او بیعت کردند. در طی حکومت چهار سال و نه ماهه‌اش با مشکلات بسیاری چون سه جنگ داخلی تحمیلی (جمل، صفین و نهروان)، بی وفایی یاران، خیانت دوستان و ... دست و پنجه نرم کرد. سرانجام در سحرگاه نوزدهم رمضان سال چهل هجری با ضربه شمشیر اشقی الأشقیاء در خون پاکش غلتید و در صبحدم ۲۱ ماه رمضان به دیدار معبود و معشوقش شتافت.

برگی از دفتر ویژگی‌های علی(ع)

علی(ع) کانون فضایل و کمالاتی است که دیگران یا از آن بی‌بهره‌اند و یا بهره‌اندکی از آنها دارند. در این فرصت اندک، توان طرح تمام ویژگی‌های آن حضرت نیست، ولی به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱- اول ایمان آورنده به پیامبر(ص)

یکی از مهمترین ویژگی‌های امام علی(ع) سبقت آن حضرت در اسلام از دیگران می‌باشد؛^{۲۲} زیرا در فرهنگ اسلام سبقت در ایمان، هجرت، خیرات، آمرزش و ... از جایگاه ارزشی ویژه‌ای برخوردار است.^{۲۳} و خود آن حضرت نیز بارها به این مطلب اشاره کرده است.^{۲۴} اهمیت این پیشگامی زمانی روشن می‌شود که با اوضاع آشفته و ناهنجار جامعه عصر بعثت آشنا باشیم. عصری که جهل، بی‌فرهنگی، بت‌پرستی، آدم‌کشی (زنده به گور کردن دختران)، ناهنجاری‌های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و فرهنگی بیداد می‌کرد.

۲- بهره‌مندی از دانش فراوان

^{۲۲} - درباره این مطلب روایات زیادی در منابع اهل سنت و شیعه وجود دارد؛ از جمله: از سلمان، ابذر، مقداد، خباب بن ارت، جابر، ابو سعید خدری و زید بن ارقم روایت شده است که علی بن ابی طالب نخستین کسی است که اسلام را پذیرفته است. از این رو صحابه فوق علی را از دیگران برتر می‌دانستند. ابن عبدالبر قرطبی، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۳، ص ۱۹۷.

^{۲۳} - رک: قرآن، بقره/ ۱۴۸، حشرت/ ۱۰، حدید/ ۲۱، واقعه/ ۱۰، توبه/ ۱۰۰ و ...

^{۲۴} - رک: نهج البلاغه، خطبه‌های ۳۷، ۷۱، ۱۳۱ و ۱۹۲.

در جامعه‌ای که تعداد باسوادانش انگشت‌شمارند و هیچ مرکزی برای تحصیل و تدریس وجود ندارد، بلکه با هر نوع فکر و اندیشه‌ی روشنگر مبارزه هم می‌شود، علی(ع) با استفاده از دانش‌های الهی پیامبر(ص) به جایی می‌رسد که دروازه شهر دانش پیامبر نامیده می‌شود.

«قال رسول الله: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بِأَبْهَائِهِ»^{۲۵}؛ من شهر علم هستم و علی دروازه و راه ورود به آن است.»

در اسلام از آغاز تا کنون کسی جز علی(ع) نتوانست ادعا کند: «أَيُّهَا النَّاسُ، سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي»^{۲۶}؛ ای مردم! پرسید از من پیش از آنکه مرا از دست بدهید.» و از عهده آن برآید و این، حقیقتی است که تمام دوستان و دشمنان آن حضرت به آن معترفند حتی خوارج، بنی امیه و ...

در روایتی از ابن عباس نقل شده که گفت: به خدا قسم نه دهم علم به علی بن ابی طالب(ع) داده شده و در آن یک دهم دیگر نیز با شما سهیم است.^{۲۷}

بزرگ‌ترین شاهد بر این ادعا وجود نهج‌البلاغه و قضاوت‌های شگفت‌انگیز و آثار علمی است که از آن حضرت بر جای مانده است.

۳- ترازوی عدالت

علی(ع) در جهان تنها کسی است درباره او گفته شد: «تُلِّفَ فِي مِحْرَابِ عِبَادَتِهِ لَشِدَّةِ عَدْلِهِ»، علی(ع) در محراب عبادتش برای سخت‌کوشی و جدیتش در اجرای عدالت کشته شد.»

آن حضرت به گواهی عملکرد دادگرانه‌اش، همواره مظهر عدل الهی در زمین و ترازوی حق و عدالت بود.^{۲۸}

۲۵ - علامه امینی، الغدير، ج ۱، ص ۶۱ به بعد.

۲۶ - نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۹.

۲۷ - ابن عبدالبرّ قرطبي، الاستيعاب في معرفة الاصحاب، ج ۳، ص ۲۰۷.

۲۸ - برای آشنایی بیشتر در این باره به خطبه ۲۲۴ مراجعه نمایید.

۴- قهرمان خطابه

بهره‌مندی از نیروی عظیم خطابه در فرهنگ بشری، سرمایه گران‌بهایی به شمار می‌رود. علی(ع) در این میدان نیز همچون سایر میادین، قهرمانی بی‌بدیل بود. او خطبه‌های با عظمت قاصعه، اشباح، غراء، توحید، متقین و ... را بالبداهه ایراد می‌فرمود؛ و از خطبه‌های بی‌نظیر نهج‌البلاغه که بگذریم، خطبه‌های بی‌الف و بی‌نقطه^{۲۹} از شاهکارهای ادبیات عرب به شمار می‌آیند. همه اینها نشانه استادی و مهارت آن حضرت در فن سخنوری و خطابه است.

۵- علی(ع) محور حق

علی(ع) معیار و میزان گران‌سنگ حق است، چنانکه پیامبر(ص) فرمود: «علی مع الحق و الحق مع علی، یدور حیثما دار»^{۳۰}؛ علی با حق است و حق با علی است و این دو (علی و حق) در هر طرف باشند باهمند.»

به علت رعایت اختصار تنها به چند ویژگی دیگر اشاره می‌شود:

۶- زنده‌خالصانه‌ترین و با فضیلت‌ترین ضربت تاریخ در جنگ خندق

۷- پرچمدار پیامبر(ص) در جنگ خیبر

۸- برادر پیامبر(ص)

۹- وزیر پیامبر(ص)

۱۰- وصی پیامبر(ص)

۱۱- کفو فاطمه زهرا(س) سیده بانوان عالم

۱۲- شهید محراب

^{۲۹} - خطبه‌های بی‌نقطه و بی‌الف در منابع مختلف روایی نقل شده است. مشتاقان می‌توانند به کتاب‌های بحارالانوار، ج ۴۱،

ص ۳۰۴؛ فضائل آل الرسول فی المعقول و المنقول، ص ۱۴ و ۱۸؛ شرح نهج‌البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۱۴۰؛ نهج‌السعادة فی مستدرک نهج‌البلاغه ج ۱، ص ۸۲ و ۱۰۰؛ و ... مراجعه نمایند.

^{۳۰} - محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۰۸.

برای هر کدام از ویژگی‌های فوق روایات زیادی وجود دارد که به جهت رعایت اختصار از نقل آنها خودداری می‌شود.

علی(ع) از دیدگاه اندیشوران و صاحب نظران

گذشته از فضیلت‌هایی که در قرآن و کلام رسول خدا(ص) و ائمه(ع) برای امام علی(ع) ذکر شده است. سخن برخی از فرهیختگان و دانشمندان نامور تاریخ را که در برابر عظمت فوق‌العاده آن حضرت سرتعظیم فرود آورده‌اند، تقدیم دانش دوستان ارجمند می‌نماییم.

گفتنی است گزینش سخن برزگان، بسیار دشوار است؛ چرا که هم بسیار زیاد و هم فوق‌العاده مهمّند ولی از باب «ما لا یدرک کله لا یتدرک کله» به چند مورد اشاره می‌کنیم:

دیدگاه سید رضی (متوفای ۴۰۶ هـ)

... امیرمؤمنان(ع) منشأ فصاحت، منبع بلاغت و پدیدآورنده آن می‌باشد. مکنونات بلاغت به وسیله او آشکار گردیده ... و همه واعظان بلیغ از سخن او استمداد جسته‌اند. سخن او کلامی است که آثار علم الهی و رایحه سخن پیامبر(ص) از آن به مشام می‌رسد. [آن حضرت] با این همه فضایل عجیب و شگفتی‌زا و ویژگی‌های لطیف، جامع اضداد می‌نماید.^{۳۱}

دیدگاه شیخ الرئیس ابوعلی سینا (متوفای ۴۲۸ هـ)

ابوعلی سینا که یکی از نوابغ علمی تاریخ بشر به شمار می‌رود درباره عظمت مقام امیرالمؤمنین(ع) می‌گوید: عزیزترین انبیاء و خاتم رسولان(ص) چنین نفرمود با مرکز حکمت و فلک و خزینه عقل امیرالمؤمنین(ع) که: «یا علی اذا رأیت الناس یتقربون الی خالقهم بانواع البرّ تقرب الیه بأنواع العقل تسبقهم؛ ای علی! اگر دیدی مردم با انواع نیکی‌ها به خدا تقرب می‌جویند، تو با انواع عقل به خدا نزدیک شو تا از دیگران جلوتر باشی.» و این چنین خطاب جز با چون او بزرگی راست نیامدی، که در میان خلق آنچنان بود که معقول در میان محسوس.^{۳۲}

۳۱ - رک: نهج البلاغه، مقدمه.

۳۲ - بو علی سینا، رساله معراجیه، ص ۱۵؛ علامه حسن زاده آملی، هزار و یک نکته، نکته ۷۳۲.

دیدگاه خلیل بن احمد بصری (متوفای ۱۷۵ هـ)

واضع علم عروض و ادیب سرشناس قرن دوم هجری درباره امام علی (ع) می‌گوید: «احتیاج الکلّ الیه و استغنائه عن الکلّ دلیل علی انه امام الکل؛ نیازمندی همگان به او و بی‌نیازی او از همگان دلیل بر این است که او امام همگان است.»^{۳۳}

دیدگاه زمخشری (متوفای ۵۳۸ هـ)

مفسر معروف اهل سنت زمخشری (مؤلف تفسیر کشاف) درباره فضایل آن حضرت می‌گوید: من چه بگویم درباره مردی که فضایل او را دشمنان از راه کینه‌جویی و حسد انکار کرده‌اند و دوستان از ترس و وحشت پنهان داشته‌اند؟، باز از این میان آن قدر فضیلت‌های وی انتشار یافت که خاور و باختر عالم را فرا گرفت.^{۳۴}

دیدگاه خطیب خوارزمی (متوفای ۳۸۳ هـ)

سخن سرای معروف خوارزمی که ملقب به خطیب (اخطب) می‌باشد در شعری امام علی (ع) را اینگونه می‌ستاید:

ألا هل من فتی کأبی تراب؟ امام ظاهر فوق التراب؟!
إذا ما مقلتی رمدت فکحلی تراب مسّ نعل أبی تراب^{۳۵}

آیا چون ابوتراب جوانمردی هست؟ آیا چون او پیشوای پاک‌سرشتی روی زمین وجود دارد؟ چشم مرا هرگاه درد فرا گیرد، توتیایش خاکی است که پای او بدان رسیده باشد.

دیدگاه فخر رازی (متوفای ۶۰۶ هـ)

مفسر، متکلم و فقیه نامدار اهل سنت فخر رازی درباره جایگاه علی (ع) در دین می‌گوید: علی (ع) بسم‌الله الرحمن الرحیم را در نمازها با صدای بلند می‌خواند و این به تواتر ثابت شد و

۳۳ - علامه حسن زاده آملی، هزار و یک نکته، نکته ۷۳۲.

۳۴ - جمعی از نویسندگان، حساس‌ترین فراز تاریخ یا داستان غدیر، ص ۲۸۴.

۳۵ - علامه امینی، الغدیر، ج ۴، ص ۳۹۷.

هرکس در دینش به علی بن ابی طالب (ع) اقتدا کند هدایت و رستگار می شود و دلیل این سخن گفته رسول (ص) خداست که فرمود: خداوندا! علی هرگونه باشد حق را بر محور وجودش بچرخان.^{۳۶}

دیدگاه ابن ابی الحدید (متوفای ۶۵۶ هـ)

دانشمند و ادیب نامدار اهل سنت ابن ابی الحدید معتزلی (شارح نهج البلاغه) در سخنی طولانی اینگونه داد سخن می دهد: ... من چه بگویم در حق مردی که دشمنانش نتوانستند عظمت و فضایلش را منکر شوند و همه آنان به برتری شخصیت او اعتراف کردند ...

من چه بگویم درباره مردی که همه فضیلت‌ها به او منتهی می شود و همه مکتب‌ها و گروه‌ها خود را به او منتسب می دانند؟! آری، اوست رئیس همه فضیلت‌ها و معدن آن ... من چه بگویم درباره مردی که اهل همه مذاهب و ملل غیراسلامی به او عشق می ورزند حتی فلاسفه غیرمسلمان او را تعظیم می نمایند.

آنگاه راجع به انتساب همه فرقه‌های مذهبی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و ... به علی بن ابی طالب (ع) سخنان مبسوطی ایراد کرده است.^{۳۷}

دیدگاه امام خمینی (قدس سره)

حضرت امام خمینی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران درباره امیرالمومنین (ع) سخنان ارزنده‌ای دارد؛ از جمله می فرماید:

علی (ع) آن عبد وارسته از غیر و پیوسته به دوست که حجب نور و ظلمت را دریده و به معدن عظمت رسیده است و در صف مقدم است.

... او به حق، عبدالله است و پرورش یافته عبدالله اعظم (رسول گرامی اسلام «ص») است.^{۳۸}

فارغ از هر دو جهانم به گل روی علی از خُم دوست جوانم به خُم موی علی

^{۳۶} - علامه امینی، الغدير، ج ۳، ص ۱۷۹.

^{۳۷} - ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۰-۱۶.

^{۳۸} - قسمتی از پیام امام خمینی به کنگره هزاره نهج البلاغه، سال ۱۳۶۰.

طی کنم عرصه ملک و ملکوت از پی دوست یاد آرم به خرابات چو ابروی علی^{۳۹}

دیدگاه علامه حسن زاده آملی

علامه استاد حسن زاده آملی درباره علی (ع) سخنان ارزنده‌ای دارد؛ از جمله می‌فرماید: ... وجودش (امام علی «ع») حیات علم و ستون اسلام است و از میان برنده باطل و آنکه منکرات را باطل می‌ساخت و حق را به حد و محلش اعاده می‌فرمود، امیرمؤمنان علی (ع) بود و لاغیر؛ زیرا همگی بر آن که او افضل صحابه در جمیع کمالات نفسانی و جسمانی بوده متفقند و هیچ‌کس در حکم و فعل و گفتار و عملش نتوانست اشکال و خلل وارد کند.

و در روایت است: «لولا علی لمحق الدین و هلك الناس؛ اگر علی نبود دین نابود و مردم هلاک می‌شدند.»

برای مسلمانان چون معضل و مشکلی پیش می‌آمد به عنوان ضرب‌المثل می‌گفتند: این قضیه‌ای است که ابوالحسن (علی علیه‌السلام) ندارد.

«قضية لا أباحسن لها»؛ کنایه از این که حل شدنی نیست.^{۴۰}

و سخنان بسیار دیگر که طرح همه آنها در این نوشتار کوتاه ممکن نیست.

^{۳۹} - امام خمینی، دیوان اشعار، ص ۳۱۱.

^{۴۰} - حسن حسن زاده آملی، کتاب امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، ص ۱۳۷.

آشنایی با نهج البلاغه

برای آشنایی با نهج البلاغه مطالب بسیاری قابل طرح و بررسی است که ما در این نوشتار کوتاه به بیان چند مطلب اکتفا می‌کنیم.

بافت کلی نهج البلاغه

یکی از زمینه‌های شناخت نهج البلاغه، آشنایی با ظاهر کتاب و بافت کلی آن است. نهج-البلاغه مجموعه‌ای از سخنان و پیام‌های امیرالمومنین علی(ع) است که شریف رضی، آن را در سه بخش جداگانه تنظیم نمود که هر بخش به نحو خلاصه عبارتند از:

بخش ۱: خطبه‌ها

اولین و مهمترین بخش نهج البلاغه را سخنرانی‌های مختلف امیرالمومنین علی(ع) تشکیل می‌دهد که آن حضرت در شرایط و احوال گوناگون آنها را ایراد کرده است، که اصطلاحاً به آنها خطبه گفته می‌شود. در نهج البلاغه ۲۴۱ خطبه گرد آمده که طولانی‌ترین آنها، خطبه قاصعه، خطبه ۱۹۲ و کوتاهترین آنها، خطبه ۵۹ می‌باشد.

بخش ۲: نامه‌ها

در بخش دوم نهج البلاغه، شاهد ۷۹ پیام مکتوب و نامه آن حضرت به فرمانداران، دوستان، بستگان، دشمنان، قضات، مأموران جمع‌آوری زکات و مالیات و ... هستیم که طولانی‌ترین آنها عهدنامه مالک اشتر (نامه ۵۳) است که در آن اصول حکومت‌داری و عدالت‌گستری بیان شده است^{۴۱} و کوتاه‌ترین آنها نامه ۷۹ می‌باشد که به فرماندهان سپاه نوشته شد.

بخش ۳: کلمات قصار، حکمت‌ها

^{۴۱} - اخیراً رسانه‌های خبری جهان اعلان کرده‌اند که عهدنامه امام علی(ع) به مالک اشتر به عنوان تنها مرجع عدالت گستر

تاریخ، در سازمان ملل متحد به ثبت رسید. اطلاعات بین‌الملل ۱۳۸۲/۸/۲۵، (۱۶/۱۱/۲۰۰۳).

در آخرین بخش نهج البلاغه ۴۸۰ جمله کوتاه و بلند حکمت آمیز وجود دارد که از آنها به کلمات قصار، حکمت‌ها و قصار الحکم تعبیر می‌شود. این بخش، زیبایی خاصی به نهج البلاغه داده است؛ زیرا کلماتی بسیار کوتاه ولی با مضامینی بسیار بلند در آن یافت می‌شود که به طور عادی برای رساندن پیام آن باید سخنان بسیاری را بر زبان راند، مانند:

۱- «الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ»^{۴۲}؛ قناعت ثروتی است پایان‌ناپذیر»

۲- «الْمَالُ مَادَّةُ الشَّهَوَاتِ»^{۴۳}؛ مال و ثروت ریشه خواستن‌ها و شهوت‌هاست»

۳- «مَا عَالَ مَنْ اقْتَصَدَ»^{۴۴}؛ انسان میانه رو (در مصرف) هیچگاه نیازمند نخواهد شد.»

۴- «آلَةُ الرِّيَاسَةِ سَعَةُ الصِّدْرِ»^{۴۵}؛ ابراز ریاست سعه صدر است.»

۵- «مَنْ نَالَ اسْتَطَالَ»^{۴۶}؛ کسی که به نوایی می‌رسد (و ظرفیت ندارد) طغیان می‌کند.»

و صدها کلمه شیرین و جذاب دیگر که قدرت انتخاب را از انسان سلب می‌کند. طولانی‌ترین آنها حکمت ۱۴۷ و کوتاه‌ترین آنها حکمت ۱۸۷، ۲۱۶ و ۴۱۸ می‌باشند. در میان حکمت ۲۶۰ و ۲۶۱ فصلی مشاهده می‌شود که نه کلمه کوتاه و حکیمانه در آن قرار دارد که شریف رضی از آنها به کلام غریب و مشکل تعبیر کرده که به تفسیر و توضیح نیاز دارند و خود درباره آنها توضیح داده است.

با توجه به این نه کلمه، مجموع کلمات قصار ۴۸۹ کلمه می‌شود.

این مجموعه نفیس، یادگار برجا مانده از دوره‌های مختلف زندگی امام علی (ع) است که بخش اندکی از آن مربوط به زمان حیات رسول خدا (ص)، بخش دیگر مربوط به دوره کناره‌گیری آن حضرت از خلافت و قسمت عمده آن مربوط به عصر خلافت و زمامداری آن حضرت (سال

۴۲ - نهج البلاغه، حکمت ۵۷.

۴۳ - نهج البلاغه، حکمت ۵۸.

۴۴ - نهج البلاغه، حکمت ۱۴۰.

۴۵ - نهج البلاغه، حکمت ۱۷۶.

۴۶ - نهج البلاغه، حکمت ۲۱۶.

۳۶- ۴۰ هـ.ق) می‌باشد که بخشی از آن به مناسبت‌های مختلف و بخش دیگر در پاسخ به نیازها و پرسش‌های روز، ایرا شده است.

گفتنی است شریف رضی، همه خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات امام را جمع‌آوری نکرده است و حتی بیشتر سخنرانی‌ها و نامه‌ها را تقطیع نموده و قسمت کوتاهی از آنها را در نهج‌البلاغه آورده است. مثلاً در برخی منابع، نامه ۵۳ بسیار طولانی‌تر از آن است که در نهج‌البلاغه آمده است و این بدان جهت است که می‌خواست قطعه‌های ادبی، بلیغ و زیبایی را که در کلمات دیگران دیده نشده نقل کند و به عنوان راه و رسم بلاغت معرفی نماید. از این رو، کتاب را نهج‌البلاغه (= روش بلاغت، روش شیوا و رسا سخن گفتن) نام نهاده است.

رمز جاودانگی نهج البلاغه

بی‌تردید یکی از پرجاذبه‌ترین کتابهای جهان در هزاره گذشته نهج‌البلاغه بوده است و هنوز هم مشتاقان فراوانی بر گرد شمع وجودش پرواز می‌کنند. اصولاً میراث‌های ماندگار پیشینیان از ویژگی‌های خاصی برخوردارند که با فطرت، عقل، وجدان، عواطف و احساسات بشر هم آهنگ و هم آوایند؛ آثاری که در طول تاریخ مورد پسند و استفاده همگان واقع شوند، اندکند، ولی گاهی در میان همین آثار اندک نمونه‌های ارزشمندی پیدا می‌شوند که چونان خورشید، شرق و غرب عالم را به نور خود روشن می‌کنند و نهج‌البلاغه از این گونه آثار است. پرسش مهم این است که چه چیز سبب شد تا نهج‌البلاغه این گونه خوش بدرخشد و جاودانه بماند؟ با این که تیره‌دلان بسیاری خواسته‌اند نور وجودش را خاموش یا کم‌رنگ کنند ولی همچنان بیش از هزار سال در افق فرهنگ و اندیشه بشری پرتو افشانی می‌کند و خواهد نمود.

در جستجوی این حقیقت دلایل چندی به ذهن می‌رسد که به طور خلاصه بیان می‌گردد:

۱- ارتباط با کانون جاودانگی

جاودانگی مطلق در نظام هستی از آن خدای بی‌همتایی است که امام علی (ع) درباره او فرمود: «وَلَكِنَّهُ إِلَهَ وَاحِدٍ كَمَا وَصَفَ نَفْسَهُ، لَا يُضَادُّهُ فِي مُلْكِهِ أَحَدٌ، وَلَا يَزُولُ أَبَدًا وَ لَمْ يَزَلْ، أَوَّلَ قَبْلِ الْأَشْيَاءِ بِلاَ أَوْلِيَّةٍ، وَ آخِرُ بَعْدَ الْأَشْيَاءِ بِلاَ نِهَائَةٍ»^{۷۷}؛ اما او خدایی است یگانه، همانگونه که خود وصف کرده است؛ هیچ کس در ملک و مملکتش قادر به ضدیت با او نیست، او هرگز از بین نخواهد رفت، همواره بوده است، او سرسلسله بی‌آغاز هستی است و هم او نیز آخر نقطه بی‌پایان هستی است.» هیچ چیزی در جهان رنگ جاودانگی به خود نمی‌گیرد مگر با اراده خداوند، و به وسیله ارتباط با او، رمز جاودانگی نهج‌البلاغه، تفسیر کلام جاودانه خدا بودن است.

۲- بهره‌مندی از برترین و زیباترین سبک ادبی

نهج‌البلاغه افزون بر اینکه مجموعه‌ای است از سخنان یک رهبر الهی، شاهکار ادبی در لغت عرب نیز به شمار می‌رود که داوری برخی از دانشمندان سخن‌شناس را درباره آن در همین نوشتار ملاحظه خواهید نمود.

۳- طرح معارف الهی

نهج‌البلاغه یک مجموعه کم‌نظیر از جهت طرح معارف بلند الهی است چه در بُعد جهان-بینی و عقاید و چه در بُعد انسان‌سازی و اخلاق و حتی جنبه‌های ادبی و بلاغی نهج‌البلاغه (که علت اصلی گردآوری آن توسط سیدرضی بود) تحت‌الشعاع معارف عالی و حجم وسیع آموزه-های دینی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و ... نهج‌البلاغه واقع شده است. از این رو، همواره مورد استفاده دانشوران و کنکاش‌گران وادی علم و معرفت بوده است.

۴- طرح تاریخ سیاسی، اجتماعی عصر امام علی (ع)

یکی از منابع مهم برای پی‌بردن به تاریخ پرماجرایی عصر امام علی (ع) کتاب نهج‌البلاغه است. بسیاری از وقایع مهم تاریخی صدر اسلام - به ویژه عصر زمامداری آن حضرت - از زبان یکی از بزرگ‌ترین تاریخ‌سازان آن و رهبر جهان اسلام به نقد، بررسی و تحلیل کشیده شد.

شاید یکی از دلایل جاودانگی نهج‌البلاغه، و تازگی و طراوت آن برای محققان، تاریخ-نگاران و سیاستمداران و ... در زمان‌های مختلف، طرح مسائل مهم زمان امام علی(ع) باشد؛ زیرا حوادث مهمی که در زمان امام علی(ع) به وقوع پیوست، ریشه بسیاری از تحولات مهم در آینده تاریخ اسلام بود. به این جهت، آگاهی از وقایع و حوادث آن زمان مانند ماجرای قتل عثمان، نبرد خونین جمل در بصره، جنگ صفین، فتنه خوارج و نبرد بی‌سابقه نهروان، فتنه بی‌امیه و ... ارزش ویژه‌ای دارد. یکی از منابعی که به ابعاد گوناگون این حوادث پرداخته و آنها را بررسی نموده است، نهج‌البلاغه می‌باشد.

۵- تأثیرگذاری فوق العاده در بعد معنوی

با توجه به این که از دیرباز بشر عاقل، عاشق تأمین سلامت روح و روان و اخلاق خویش بوده است، همیشه برای کسب مکارم اخلاقی تلاش می نمود، در فرهنگ و آموزه های اسلامی برای برآوردن این نیاز بشر اهتمام خاصی وجود دارد.

بعد از قرآن کریم کتابی از جهت تبیین معارف گوناگون ارزشی (اخلاقی، معنوی، عرفانی و ...) و تأثیرگذاری در بعد معنوی همتای نهج البلاغه وجود ندارد؛ زیرا سرچشمه زلال آن (امام علی علیه السلام)، خلاصه اسلام و قرآن و سخن گوی سنت و سیره پیامبر (ص) می باشد و خود نیز در زندگی شخصی الگوی پاک دامنی، پارسایی، پرهیزکاری و دیگر خصلت های ارزشمند اخلاقی بود. از این رو، تأثیر سخن آن حضرت بر دل ها فوق العاده است؛ زیرا کمتر کسی پیدا می شود که به هنگام شنیدن سخنان آن حضرت مو بر بدنش راست نشود و یا اشک از چشمانش سرازیر نشود.

موارد یاد شده از جمله دلایل و رمزهای جاودانگی نهج البلاغه می باشد.

نهج البلاغه از دیدگاه دانشوران و صاحب نظران

اظهار نظر دانشمندان درباره کتاب های علمی، دینی، تاریخی و ... نشانه عظمت و محتوای غنی آنهاست. دانشمندان زیادی در طول تاریخ درباره نهج البلاغه قضاوت کرده اند که ما به ذکر نمونه های اندکی از آنها بسنده می کنیم:

عباس محمود عقّاد (نویسنده مصری)

در نهج البلاغه، نور آیات توحید و حکمت الهی چنان درخشان و پرتوافکن است که بررسی و تحقیق همه پژوهندگان را شامل می شود ... و چون خوب دقت کنی صدای امام علی (ع) را از آن سوی کلمات می شنوی نه صدای دیگری را.^{۴۸}

ابن ابی الحدید (شارح نهج البلاغه)

^{۴۸} - محمد دشتی، شناخت نهج البلاغه، به نقل از: عبقریة الامام علی، ص ۱۳۲.

اگر همه فصیحان و سخن‌شناسان عرب در یک جا گرد آیند و سخنان امام (ع) به ویژه خطبه ۲۲۱ نهج البلاغه بر آنان خوانده شود سزاوار است که همه در برابر آن سجده کنند همانگونه که در برابر آیات سجده قرآن، سجده می‌کنند.^{۴۹}

ناصری یازجی

عبدالمسیح انطاکی در کتاب شرح القصیده صفحه ۵۴۱ از استادش ناصر یازجی نقل می‌کند که او می‌گفت: من در نویسندگی استاد و مبرز نشدم مگر با آموختن قرآن و نهج البلاغه.^{۵۰}

نرسی سیان (رئیس منشیان کنسولگری انگلستان در بغداد)

وی مردی فاضل و دانشمند بود، وقتی درباره نهج البلاغه اظهار نظر می‌کرد گفت: نهج-البلاغه بر هر سخن عرب برتری دارد و برای تأیید حرف خود قسمتی از خطبه ۸۳ نهج البلاغه را خواند و گفت: اگر این گوینده با عظمت (علی علیه السلام) امروز بر منبر کوفه قرار می‌گرفت شما مسلمانان می‌دیدید که مسجد کوفه با آن همه عظمت و وسعتش از اجتماع مردم مغرب زمین برای استفاده از دریای خروشان علی موج می‌زد.^{۵۱}

دکتر زکی مبارک (دانشمند مصری)

دکتر زکی مبارک در دانشکده حقوق بغداد می‌گوید: من عقیده دارم که مطالعه نهج البلاغه، در خواننده؛ مردانگی، شهامت و عظمت نفس پدید می‌آورد؛ زیرا این کتاب، فیضی از روحی بزرگ است که با اراده آهنین خود با مشکلات روزگار مواجه گشته است ... خدمت دیگری هم که نهج البلاغه به زبان عربی نموده این است که فرصت پر ارزشی برای تحرک اندیشه‌ها و عقل‌ها به وجود آورده است.^{۵۲}

شیخ محمد عبده (شارح نهج البلاغه، استاد و رئیس الأزهر مصر)

۴۹ - همان، به نقل از: بهج الصباغه، ج ۱، ص ۳۲.

۵۰ - میرزاده اهری، در پیرامون نهج البلاغه، ص ۵۴.

۵۱ - همان، ص ۴۲.

۵۲ - نهج البلاغه و گردآورنده آن، ص ۱۲۵.

در میان دانشمندان و سخن شناسان زبان و ادبیات عرب کسی نیست که به عظمت امام علی(ع) اعتراف نکند. کلام امام علی بن ابی طالب (نهج البلاغه) پس از کلام خدای متعال و پیامبرش شریف‌ترین و برترین سخن و سرشارترین کلام از لحاظ مواد، و دارای بهترین شیوه است و نیز بیشترین معانی و محتوا را دارد.^{۵۳}

جرجی زیدان (نویسنده مسیحی و عرب زبان)

مشهورترین خطیب صدر اسلام امام علی بن ابی طالب است. در یونان برای دموستن (خطیب معروف) شصت و چند خطبه ذکر کرده‌اند که نصف آن هم به اشتباه به او نسبت داده‌اند، اما در رابطه با امام علی(ع) چند صد خطبه شماره کرده‌اند.^{۵۴}

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی (قدس سره)

ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است از امام معصوم ماست.^{۵۵}

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)

من درباره توجهی که ما باید به نهج البلاغه پیدا کنیم می‌خواهم هشدار بدهم. ما این توجه را امروزه کم داریم مثل اینکه نمی‌دانیم چه گنجینه معرفت بی‌پایانی در این کتاب هست، یا هنوز برای مردم ما، حتی برای محققین ما، اهمیت دستیابی به منبع عظیم این کتاب بی‌نظیر به طور کامل کشف نشده است.

... تأکید می‌کنم که این کتاب، گنجینه بی‌نظیری است، تمام نشدنی است و امروز هم بیشتر از همیشه ملت ما و جامعه اسلامی ما به آن نیازمند است. ما امروز به این کتاب احتیاج داریم.^{۵۶}

^{۵۳} - شیخ محمد عبده، شرح نهج البلاغه، ص ۶، مقدمه.

^{۵۴} - جرجی زیدان، تاریخ آداب اللغة العربیه، ج ۱، ص ۱۸۸.

^{۵۵} - وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی.

^{۵۶} - بازگشت به نهج البلاغه، (مجموعه سخنرانیهای آیت‌الله خامنه‌ای در کنگره های نهج البلاغه).

نهج البلاغه از آثار جاودانه‌ای است که همه در برابر او سر تعظیم فرود آورده‌اند و نقل همه اظهارنظرها درباره این کتاب رهایی بخش، در این جا امکان‌پذیر نیست.

گردآورنده نهج البلاغه «شریف رضی قدس سره»

آشنایی با شخصیت با عظمت گردآورنده گرانقدر نهج البلاغه و درک موقعیت والای علمی، اخلاقی، سیاسی و ... شریف رضی، یکی از مراحل آشنایی با نهج البلاغه به شمار می‌رود. برای بررسی زندگانی بزرگ مردی چون سید رضی باید به کتابهای تاریخ و رجال مراجعه کرد. در این قسمت به طور خلاصه به بخش‌هایی از زندگی پر بار او اشاره می‌شود.

ولادت

سید محمد بن حسین بن موسی بن محمد بن موسی بن ابراهیم مجاب بن موسی بن جعفر (ع) (ملقب به سید رضی و شریف رضی) در سال ۳۵۹ هـ در یکی از خانواده‌های بزرگ علویان بغداد چشم به جهان گشود. از طرف پدر با پنج واسطه نسبتش به امام هفتم (ع) و از طرف مادر با شش واسطه به امام زین العابدین (ع) می‌رسد.

پدر

حسین بن موسی ملقب به طاهر، اوحد، ذوالمنقب، مردی با عظمت، ستوده خصال، بزرگ نقبای آل ابوطالب و در نزد خلفای عباسی و حکام آل بویه و آل حمدان فوق‌العاده مورد احترام بود، همچنین امیرالحاج و مأمور میانجی‌گری بین طرف‌های درگیر در جهان اسلام بود.

مادر

فاطمه بنت ابومحمد حسین بن احمد بن حسن بن علی بن حسن بن علی بن عمر بن علی بن الحسین (ع)، بانویی عالمه، فاضله و از نواده‌های ناصر کبیر یا ناصر حق متوفای سال ۳۰۴ هـ.ق. بود.

مادر سید رضی از مقام والایی برخوردار بود که بزرگ‌ترین عالم شیعی آن زمان (شیخ مفید) کتاب احکام النساء را به خاطر او نوشت.

روای شیخ مفید(قدس سره)

شبی شیخ مفید در عالم رؤیا دید که حضرت فاطمه(س) دست فرزندان خود امام حسن(ع) و امام حسین(ع) را گرفته و به نزد او آورد و فرمود: «یا شیخ، علمهما الفقه» شیخ پس از بیدار شدن، از خواب خویش در شگفت بود که فردا در مسجد براثا در محله کرخ بغداد به هنگام تدریس دید بانویی باوقار دست دو کودک خود را گرفته و نزد شیخ آورد، پس از سلام گفت: من همسر طاهر ذوالمنقب هستم، به این دو فرزند من، فقه و علم دین بیاموز.

شیخ که تعبیر خواب خود را یافته بود، همه کوشش خود را برای رشد و تعالی این دو کودک به کار برد. یکی از آن دو کودک سید مرتضی علم الهدی فقیه، متکلم و عالم بزرگ شیعی شد و دیگری سید شریف رضی (رضی الله عنهما).

مقام سید رضی در ادبیات عرب

سید رضی علاوه بر این که مردی فقیه، ادیب، مفسر قرآن، متکلم، حکیم و ... بود در بیست سالگی استاد مسلم ادبیات عرب به شمار می آمد. ثعالبی و خطیب بغدادی او را سرآمد شاعران آل ابوطالب می دانند.

صاحب بن عبّاد با آن که از مقام علمی بالایی برخوردار بود و در خورده گیری بر اشعار منتبّی شاعر معروف و چیره دست عرب، زبانزد بود؛ مشتاق مطالعه و شنیدن اشعار سید رضی بود. او در ۲۹ سالگی در مرگ ابوطاهر حسن ناصرالدوله حمدانی مرثیه ای گفت که استادش «ابن جنّی» کتاب نفیسی در شرح آن نوشت.

ملکات فاضله

سید رضی در عزّت نفس، سخاوت، مناعت طبع، آزاداندیشی و ... در عصر خود نظیر نداشت. اشعاری که در مدح افراد می سرود از مرز حقیقت تجاوز نمی کرد و هیچگاه هدایا و صله های سلاطین - حتی سلاطین شیعه - را نمی پذیرفت. حتی صله پدرش را که در برابر شعری نغز به او داده بود نپذیرفت. ولی خود مردی کریم، سخی و بلندنظر بود. سید رضی با

تأسیس دارالعلم در بغداد به تربیت شاگردان بسیاری همت گماشت و تمام مخارج دانشجویان را پرداخت کرد.

مناصب سید رضی

سید رضی مانند نیاکانش حکومت اسلامی را در عصر غیبت حضرت ولی عصر (عج)، حق مسلم خود می دانست و دیگران را حتی اگر فرزندان عباس عمومی پیامبر (ص) هم باشند غاصب می دانست، هرچند چاره‌ای جز مدارا با آنان نبود.

بنابراین، از آنجا که از نظر یک عالم شیعی و طرفدار حکومت الهی ائمه معصوم (ع) دخالت در سیاست (اداره امور مسلمانان) جزء وظایف دینی است (یعنی سیاست از دیانت جدا نیست بلکه عین آن است)، سید رضی مانند پدران‌ش قسمتی از مناصب سیاسی و دولتی را با اعطای آن از طرف امرای شیعی آل بویه و تصویب خلیفه عباسی برعهده گرفت.^{۵۷}

این مناصب عبارت بودند از: نقابت طالبین، امارت حاج، ریاست دیوان مظالم، سفارت برای حل اختلاف دول اسلامی که هر کدام جداگانه جای بحث مفصل دارند.

سید رضی از نگاه دیگران

عبدالملک ثعالبی در یتیمه الدهر

اگر بگویم او سرآمد شاعران قریش است گزاف نگفته‌ام...^{۵۸}

خطیب بغدادی در تاریخ بغداد

سدررضی از اهل فضل و ادب و علم بود، احمد بن عمر بن روح نقل می‌کند: او حافظ کل قرآن بود و کتاب‌هایی در معانی قرآن تصنیف کرده که مانند آن کمتر یافت می‌شود.^{۵۹}

^{۵۷} - ر.ک. کتاب نهج البلاغه و گردآورنده آن، مقاله علی دوانی.

^{۵۸} - همان، ص ۹۳ به نقل از: یتیمه الدهر، ج ۳، ص ۱۳۱.

^{۵۹} - همان، ص ۹۳ به نقل از تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۲۴۶.

ابوالفرج بن جوزی در منتظم

در اندک مدتی تمام قرآن را حفظ کرد و از علم فقه و فرایض دینی بهره کافی داشت. او دانشمندی فاضل، شاعری نویسنده، مردی نیک نفس، دارای همت عالی و سخت دین دار بود.^{۶۰}

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه

... او دانشمندی ادیب و شاعری سخن سنج بود تا آنجا که می‌گوید: از هیچ کس صله و جایزه قبول نکرد حتی از پدرش! همین معنا برای پی بردن به شرافت نفس او کافی است، سلاطین آل بویه سخت تلاش نمودند تا عطا‌های آنها را بپذیرد، ولی او نپذیرفت.^{۶۱} بسیاری از معاصران وی و متأخران، از سید رضی به عظمت یاد کرده‌اند که امکان طرح همه آنها نیست.

درگذشت سید رضی (قدس سره)

آفتاب عمر سرسلسله ادیبان و شاعران آل ابی طالب و خدمتگذار به اسلام و تشیع، پس از عمری خدمت به دین، فرهنگ و انسانیت در ۴۷ سالگی (سال ۴۰۶ هـ.ق) در شهر بغداد در پشت ابرهای تیره اجل پنهان شد.

غم جان کاه رحلتش همگان را ماتم زده کرد، به ویژه در دل برادر فقیه، متکلم و دانشمند فرزانه‌اش (سید مرتضی) چنان آتشی از غم فراق ایجاد شد که نتوانست دیدن جنازه برادر را تحمل نماید، به قبر جد گرامی‌اش حضرت موسی بن جعفر (ع) پناه برد. در نتیجه در اجتماع عظیم تشیع کنندگان در بغداد، فخرالملک، وزیر دانشمند و شیعی آل بویه بر پیکر مطهرش نماز خواند و او را به رسم امانت در جوار جدش امام کاظم (ع) به خاک سپردند و آنگاه به کربلا برده و در جوار مرقد جدش ابراهیم مجاب فرزند موسی بن جعفر در حرم امام حسین (ع) به خاک سپردند.

^{۶۰} - همان، ص ۹۳ به نقل از المنتظم، ج ۷، ص ۲۷۹.

^{۶۱} - همان، ص ۹۴، به نقل از شرح نهج البلاغه، ج ۱، از ص ۳۱ تا ۴۱.

بنا به فرموده امام علی(ع): «فرزانگان زنده‌اند تا روزگار باقی است، گرچه جسم‌هایشان از میان رفته، ولی یادشان در خاطره‌ها جاودانه است.»^{۶۲}

آری، سید رضی یکی از این فرزنانگان ماندگار تاریخ است، یادش گرامی باد.

سید رضی و گردآوری نهج البلاغه

درباره علل و نحوه گردآوری نهج البلاغه دو سوال مطرح است:

۱- چرا سید رضی نهج البلاغه را گردآوری کرد؟

پاسخ: در این که سید رضی با چه انگیزه‌ای دست به گردآوری نهج البلاغه زد، چند پاسخ

وجود دارد:

الف- پاسخگویی به درخواست دوستان

سید رضی در مقدمه نهج البلاغه می‌گوید: پس از گردآوردن کتاب خصائص امیرالمومنین(ع) (قسمت اول خصائص الاثمه) مشکلات، مرا از اتمام بقیه کتاب، بازداشت. من آن کتاب را مبوب نموده و به فصل‌های مختلفی تقسیم کرده بودم، در پایان آن فصلی بود که متضمن سخنان ارزنده امام(ع) که از سخنان کوتاه در مواعظ، حکم، امثال و آداب بود، نه خطبه‌های طولانی و نه نامه‌های گسترده. برخی دوستان آن را جالب و شگفت‌انگیز از جنبه‌های گوناگون دانستند و از من خواستند کتابی تألیف کنم که سخنان برگزیده امیرمومنان(ع) در جمیع فنون و بخش‌های مختلف از خطبه‌ها، نامه‌ها، مواعظ و ادب در آن گرد آید ... من خواسته آنها را اجابت کردم و این کار را آغاز نمودم.

ب- بهره‌مندی از سود معنوی

در ادامه مقدمه سید رضی بر نهج البلاغه می‌خوانیم: در حالی که یقین داشتم سود معنوی آن (گردآوری نهج البلاغه) بسیار خواهد بود و به زودی همه جا را تحت سیطره خود قرار خواهد داد و اجر آن ذخیره آخرت خواهد بود.

ج- معرفی چهره ادبی علی(ع) در عرب

در ادامه مقدمه نهج البلاغه می خوانیم: منظور از این کار (گردآوری نهج البلاغه) آن بود که علاوه بر فضایل بی شمار دیگر، بزرگی قدر و شخصیت امیرمومنان(ع) را از این نظر روشن سازم، چون او تنها فردی است که از میان تمام گذشتگان که سخنی از آنها برجا مانده، به آخرین مرحله فصاحت و بلاغت رسیده و گفتار او اقیانوسی است بی کرانه که سخن هیچ بلیغی به پایه آن نمی رسد....

د- جاذبه های هنری کلام امام(ع)

سید رضی از آغاز جوانی به شدت شیفته اسلوب بلاغت، فن نویسندگی و انشا بود. او عادت داشت از میان بهترین سخنان کلمات بلیغ را جدا نموده، جملات بدیع انشاء را از میان عبارات برمیگزید تا یار او در به ثمر رساندن صنعت انشاء و فن خطابه باشد.^{۶۳}

۲- چرا سید رضی نهج البلاغه را بدون ذکر سند تدوین نمود؟

پاسخ: اما این که چرا سید رضی نهج البلاغه را بدون ذکر سند تدوین کرد سوالی است درخور دقت و تأمل؛ چون بعضی از مغرضان خواستند بگویند که اینها سخنان امام(ع) نیست، بلکه ساخته و پرداخته سید رضی است.

پاسخ به این سوال مهم را به طور مفصل بیان خواهیم کرد. از باب اینکه در اینجا این سوال بی پاسخ نماند، پاسخ بسیار کوتاهی از سوال فوق داده می شود: واقعیت این است که سیدرضی درصدد تألیف یک کتاب روایتی محض نبود وگرنه او هم می توانست مانند بقیه معاصران ارجمند خود (شیخ مفید، شیخ صدوق، شیخ طوسی و ...) کتابی با ذکر سند و مأخذ تألیف نماید؛ ولی او درصدد تهیه یک شاهکار ادبی در زبان و ادبیات عرب بود که کلمات

۶۳- رک: شهرستانی، میرزاده اهری، در پیرامون نهج البلاغه، ص ۵۳.

بزرگترین سخن سرا و خطیب عرب (امام علی علیه السلام) را در مجموعه‌ای بی نظیر جمع‌آوری نماید. افزون بر این که این کتاب اگر با ذکر سند و مأخذ بود، طولانی می‌شد و از دسترس عامه مخاطبان خود دور می‌ماند.

کتاب شناسی نهج البلاغه

یکی از مباحث مهمی که پیش از بررسی مفاهیم نهج البلاغه لازم است هر محقق با آن آشنا شود، بحث کتاب شناسی نهج البلاغه است.

درباره این موضوع، مطالب بسیاری را می توان مطرح کرد؛ ولی ما به جهت رعایت اختصار به آشنایی اجمالی با کتاب هایی که درباره نهج البلاغه نوشته شده بسنده می کنیم.

در دنیای اسلام پس از قرآن کریم شاید کتابی به اندازه نهج البلاغه مورد بحث و بررسی واقع نشده باشد. درباره نهج البلاغه کتابهای فراوانی نوشته شده است که در یک بررسی کوتاه می توان آنها را به شش دسته تقسیم کرد: نسخه های خطی، شرح و تفسیر، ابزار تحقیق، ترجمه، مصادر (منابع و مدارک) و متفرقه.

الف - نسخه های خطی

در گذشته که امکانات چاپ و تکثیر وجود نداشت دانشمندان و دانش پژوهان برای به دست آوردن هر کتابی باید دست به کار استنساخ می شدند یا آن را به قیمت زیادی می خریدند و یا به امانت می گرفتند و حتی گاهی افراد دانش دوست، کتاب های مفید را به تعداد زیاد استنساخ می کردند و به شهرها و کتابخانه های مختلف می فرستادند.

در میان کتاب هایی که در تاریخ نسخه برداری شد، کمتر کتابی به اندازه نهج البلاغه نسخه هایش به سمع و نظر اهل تحقیق رسیده است. از همان زمان که سید رضی در سال چهارصد هجری قمری کار گردآوری نهج البلاغه را به پایان برد، این کتاب کانون توجهات دانشمندان قرار گرفت؛ به گونه ای که نسخ بسیاری دست به کار استنساخ نهج البلاغه شدند.

محققان برای هر قرنی نسخه هایی را ذکر کرده اند که به طور اجمال به چند مورد از نسخه های مهم و معروف خطی اشاره می کنیم:

۱- پنج نسخه معروف از قرن پنجم در کتابخانه های معتبر وجود دارد.

۲- از قرن ششم و هفتم بیش از ۵۵ نسخه نفیس خطی وجود دارد.

۳- از قرن هشتم، نهم و دهم بیش از ۶۳ نسخه ارزشمند در کتابخانه‌های دنیا موجود است.^{۶۴}

همچنین در کتاب یادنامه علامه شریف رضی که بنیاد نهج البلاغه در سال ۱۴۰۶ هجری قمری آن را به چاپ رساند، از صفحه ۳۶۵ تا ۳۹۹ به معرفی ۱۳۱ نسخه خطی موجود در کتابخانه‌های دنیا پرداخته است.

یادآوری: نسخه اصلی نهج البلاغه به خط خود سیدرضی چندین قرن پس از سید رضی موجود بوده و ابن میثم بحرانی (م ۶۷۹ هـ) در شرحی که بر نهج البلاغه نوشته از آن استفاده کرده است. و ابن ابی‌الحدید معتزلی (م ۶۵۶ هـ) در شرح نهج البلاغه خود از آن یاد کرده است.^{۶۵} این همه نسخه خطی از نهج البلاغه، از عظمت کتاب، محتوای غنی و توجه دانشمندان به آن حکایت دارد و آگاهی به این نکته مسئولیت ما را برای بهره‌برداری بهتر از این کتاب و معرفی آن به نسل حاضر و آیندگان بیشتر می‌کند.

اختلاف نسخه ها

برخلاف قرآن کریم که با رسم الخط شناخته شده و بر اساس قوانین ویژه قرائت و کتابت، ثبت و ضبط می‌شود و هیچ نوع اعمال سلیقه‌ای در آن پذیرفته نیست، هرکدام از نسخه‌نویسان نهج البلاغه بنا به سلیقه خود آن را ثبت و ضبط نموده و در نتیجه از نظر ترتیب متن، تقدیم و تأخیر بسیاری در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های آن به چشم می‌خورد؛ برای نمونه، خطبه معروف قاطعه در نهج البلاغه نسخه ترجمه فیض الاسلام با شماره ۲۳۴ و در نسخه شرح خویی با شماره ۱۹۱ و در شرح ابن ابی‌الحدید با شماره ۲۳۸ و در نسخه نهج البلاغه صبحی صالح که متن المعجم المفهرس لألفاظ نهج البلاغه نیز می‌باشد با شماره ۱۹۲ و در برخی نسخه‌های دیگر با شماره‌های دیگر ثبت شده است.

^{۶۴} - ر.ک: نهج البلاغه و گردآورنده آن، ص ۱۹۲.

^{۶۵} - همان.

راه حل

کسانی که می‌خواهند آسان از نسخه‌های مختلف یا شروح مختلف نهج البلاغه استفاده کنند برای پیدا کردن و تطبیق شماره خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها می‌توانند به جدول اختلاف نسخ که به ضمیمه المعجم المفهرس لألفاظ نهج البلاغه چاپ شده مراجعه کنند. در آنجا مولفان محترم المعجم (محمدی و دشتی) ده نسخه و شرح معروف را آورده و شماره‌های آنها را تطبیق داده‌اند.

ب- شرح و تفسیر

اصولاً شرح و تفسیر درباره کتاب‌هایی نوشته می‌شود که همه افراد به راحتی نمی‌توانند به حقایق آن پی ببرند و در واقع شارحان و مفسران با توضیحات خود راه درک و فهم مسائل کتاب را آسان می‌کنند.

نهج البلاغه از جمله کتاب‌هایی است که تاکنون شرح‌ها و تفسیرهای گوناگونی بر آن نوشته شد؛ ولی آنچه‌ای که باید پرده از روی همه حقایق آن برداشته نشود، و همچنان نیاز به شرح و تفسیرهای جدید احساس می‌شود.

برخی از شرح‌ها و تفسیرهای نهج البلاغه عبارتند از:

- ۱- شرح نهج البلاغه قطب راوندی م ۵۷۳ هـ.ق. (۲ جلد)
- ۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید معتزلی م ۶۵۶ هـ.ق. (۲۰ جلد)
- ۳- شرح نهج البلاغه سید بن طاووس م ۶۶۴ هـ.ق.
- ۴- شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی م ۶۷۹ هـ.ق. (۴ جلد)
- ۵- منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه حبیب الله خویی م ۱۳۲۴ هـ.ق. (۱۴ جلد)
- ۶- تکملة منهاج البراعة خویی، حسن زاده آملی و کمره‌ای (۷ جلد)
- ۷- شرح مفردات نهج البلاغه محمد عبده م ۱۳۲۴ هـ.ش.
- ۸- فی ظلال نهج البلاغه محمد جواد مغنیه.

۹- بهج الصباغة فى شرح نهج البلاغه محمد تقى تسترى (۱۴ جلد)

۱۰- توضیح نهج البلاغه سيد محمد شیرازی (۴ جلد)

۱۱- شرح نهج البلاغه میرزا محمد باقر نواب لاهیجی (۲ جلد)

۱۲- شرح نهج البلاغه محمد تقى جعفرى (۲۷ جلد)

۱۳- پیام امام امیرالمومنین(ع) ناصر مکارم شیرازی و همکاران

۱۴- شرح نهج البلاغه ملا فتح الله کاشانی.

۱۵- شرح نهج البلاغه علاءالدین گلستانه (شرح منظوم با ۳۰ هزار بیت شعر)

۱۶- شرح نهج البلاغه سيد عبدالله شبر (شرح منظوم با حدود ۴۰ هزار بیت شعر)

بررسی و ذکر نام همه شروح نهج البلاغه در اینجا امکان پذیر نیست. مشتاقان به کتاب‌های

ذیل مراجعه نمایند:

۱- علامه شیخ آغا بزرگ تهرانی در الذریعه، ج ۱۴، صفحه ۱۱۳ به بعد حدود یک صد

جلد کتاب که در شرح و تفسیر نهج البلاغه نوشته شده را نام می‌برد.

۲- علامه امینی در الغدیر، ج ۴، صفحه ۱۸۶ به بعد به ۸۱ شرح و ترجمه نهج البلاغه اشاره

می‌کند.

۳- دانشمند متبّع شیخ حسن جمعه در کتاب شروح نهج البلاغه، ۲۱۰ شرح و تفسیر

نهج البلاغه را نام برده و مولفان آن را معرفی می‌کند.

ج- ابزار تحقیق

نهج البلاغه هم چون قرآن کریم، دریای بی‌کرانی از معارف بلند الهی است. از آنجا که

همگان توان غواصی و بهره‌وری در این دریای با عظمت را ندارند، گروهی از محققان درصدد

ارائه راه‌کارهایی شدند تا همگان بتوانند از این کتاب ارزشمند استفاده کنند. در این زمینه هرکسی

در حد توان و طبق ذوق و سلیقه خود، راهی برای تحقیق باز نموده و اثری خلق کرده است که

ما به قسمتی از آن اشاره می‌کنیم باشد که مورد استفاده دانش‌پژوهان واقع شود.

۱- المعجم المفهرس لألفاظ نهج البلاغه^{۶۶}

این اثر را می‌توان از مهمترین ابزار تحقیق در نهج البلاغه برشمرد. در این کتاب، تمام الفاظ نهج البلاغه در یک قسمت منظم الفبایی شبیه المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم^{۶۷} در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت تا هر جمله‌ای از کتاب را که محقق نیاز داشته باشد به سرعت بتواند در نهج البلاغه بیابد.

۲- الهادی الی موضوعات نهج البلاغه^{۶۸}

در این کتاب ۶۲۵ عنوان از مباحث نهج البلاغه به صورت فهرست موضوعی استخراج و ارائه شده است.

۳- تصنیف نهج البلاغه^{۶۹}

در این کتاب ۴۲۵ عنوان مطلب از نهج البلاغه استخراج شده و درباره هر مطلبی توضیحات و ارزیابی‌هایی ارائه شده است.

۴- الکاشف^{۷۰}

در این کتاب متن عربی نهج البلاغه بر اساس ۲۸ حرف عربی به شیوه معجم نویسی تنظیم شده است.

۵- الدلیل علی موضوعات نهج البلاغه^{۷۱}

در این کتاب صد عنوان مطلب از نهج البلاغه مورد بحث و بررسی واقع شده است.

۶۶- اثر آقایان، سید کاظم محمدی و محمد دشتی (ره)

۶۷- مؤلف: محمد فواد عبدالباقی.

۶۸- اثر آیت‌الله العظمی مشکینی (ره)

۶۹- اثر لبیب بیضون.

۷۰- اثر سید جواد مصطفوی.

۷۱- اثر علی انصاریان.

۶- بهج الصباغة فی شرح نهج البلاغه^{۷۲}

در این اثر کم نظیر و نفیس که در قسمت شرح‌ها نیز به آن اشاره شد ۶۷ عنوان مهم از مطالب نهج البلاغه مورد بحث و بررسی دقیق علمی واقع شده است.

۷- فرهنگ آفتاب^{۷۳}

در این کتاب بخش زیادی از مطالب نهج البلاغه به صورت عنوان‌های جداگانه به همراه ترجمه‌ای جالب (خورشید بی‌غروب) در ده جلد چاپ شده است.

۸- فرهنگ معارف نهج البلاغه^{۷۴}

در این کتاب اهمّ مطالب نهج البلاغه مورد مطالعه و بررسی واقع شده و مطالب آن به صورت فهرست تفصیلی، تنظیم گردید. این کتاب با شیوه طرح عناوین کلی و مهم، و تطبیق عناوین ریز و جزئی با مترادف عربی تدوین، و توسط موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین (ع) در قم چاپ شده است.

۹- دایرةالمعارف بزرگ نهج البلاغه^{۷۵}

در این کتاب حدود یکصد و پنجاه هزار عنوان از مطالب و معارف نهج البلاغه به صورت الفبایی در چند مجلد تنظیم گردیده است.

۱۰- مجموعه آشنایی با نهج البلاغه^{۷۶}

۷۲- اثر شیخ محمد تقی تستری (ره).

۷۳- اثر عبدالمجید معادیخواه.

۷۴- اثر آقایان: محمد دشتی با همکاری سید هاشم حسینی، سعید جمشیدی و ابوالقاسم طاهری.

۷۵- اثر آقایان: محمد دشتی، سید هاشم حسینی و ابوالقاسم طاهری.

۷۶- اثر محمد دشتی.

در این مجموعه چندین جلد کتاب برای راهنمایی استادان، دبیران، دانشجویان و محققان جهت استفاده از نهج البلاغه تألیف شده است؛ مانند شناخت نهج البلاغه، کلیدهای شناسایی نهج البلاغه، ابزار و اطلاعات مقدماتی تحقیق در نهج البلاغه، بررسی اسناد و مدارک و ...

د- ترجمه ها

جاذبه فوق العاده نهج البلاغه تاکنون اندیشوران و ادیبان فراوانی را از فرهنگ‌ها و ملیت‌های مختلف به سوی ترجمه کشانده، که امروزه ترجمه نهج البلاغه به زبان‌های زنده دنیا (فارسی، لاتین، فرانسه، آلمانی، روسی، ترکی، ژاپنی، اردو، اسپانیولی و ...) فراوان یافت می‌شود.^{۷۷} به ویژه فارسی زبانان به دلیل عشق و ارادت به اهل بیت پیامبر(ص) اهتمام خاصی به ترجمه و معرفی نهج البلاغه از خود نشان دادند که ده‌ها ترجمه فارسی شاهد و گواه این مدعاست.

در اینجا به تعدادی از ترجمه‌های فارسی نهج البلاغه که چاپ شده‌اند (بدون در نظر گرفتن نقاط قوت و ضعف و تاریخ نگارش و چاپ آنها) اشاره می‌کنیم.

ترجمه آقایان:

- ۱- سید علی نقی فیض الاسلام ۲- ملا فتح الله کاشانی ۳- میرزا حبیب الله خویی ۴- جهانگیر خان قشقایی ۵- ملا صالح قزوینی ۶- محمد جعفر امامی و محمدرضا آشتیانی (زیر نظر ناصر مکارم شیرازی) ۷- سید جعفر شهیدی ۸- جواد فاضل ۹- شرف الدین اردبیلی ۱۰- نظام الدین گیلانی ۱۱- محسن فارسی ۱۲- محمد بن نصرالله خویی ۱۳- سید عبدالمطلب شیرازی ۱۴- محمدتقی جعفری ۱۵- محمدعلی انصاری ۱۶- محمد مقیمی ۱۷- سید محمود طالقانی ۱۸- میرزا خلیل کمره‌ای ۱۹- داریوش شاهین ۲۰- فضل الله کمپانی ۲۱- احمد سپهر ۲۲- اسدالله

مبشری ۲۳- سید نبی‌الدین اولیایی ۲۴- عبدالمجید معادیخواه ۲۵- محمد دشتی ۲۶- جمال-
الدین دین پرور ۲۷- محمد جواد شریعت ۲۸- سید کاظم ارفع ۲۹- مصطفی زمانی ۳۰- حسن
عمادزاده و ...

ح- مصادر (منابع و مدارک) نهج البلاغه

یک سلسله از کتاب‌های مفید و سودمندی که درباره نهج البلاغه تألیف شده‌اند کتاب‌هایی
مربوط به ثبت اسناد و مدارک نهج البلاغه‌اند. رسالت این کتاب‌ها اثبات صحت انتساب کلمات،
خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه به امام علی(ع) می‌باشد که در سطور بعد درباره علل تألیف این
دسته از کتاب‌ها و اصل طرح این بحث توضیحاتی ارائه خواهد شد.

ره‌آورد تألیف این دسته از کتاب‌ها این است که با استفاده از منابع و مصادر و اسناد ارائه
شده، می‌توان نهج البلاغه‌ای مستند را به جهان علم و ادب ارائه و صحت انتساب آن را به امام
علی(ع) اثبات نمود. کتاب‌های بسیاری در این زمینه تألیف شد که برخی از آنها عبارتند از:

- ۱- مدارک نهج البلاغه؛ کاشف الغطاء.
 - ۲- استناد نهج البلاغه؛ امتیاز علی عرشی.
 - ۳- بحثی کوتاه پیرامون مدارک نهج البلاغه؛ رضا استادی.
 - ۴- نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه؛ محمدباقر محمودی.
 - ۵- مصادر نهج البلاغه؛ عبدالله نعمت.
 - ۶- مصادر نهج البلاغه و اسانیده (۴ جلد)؛ سید عبدالزهره حسینی.
 - ۷- اسناد و مدارک نهج البلاغه؛ محمد دشتی.
 - ۸- روایات و محدثین نهج البلاغه؛ محمد دشتی.
- و کتاب‌های دیگر.

درباره کتاب‌های فوق توضیح لازم ارائه خواهیم داد.

و- متفرقه

علاوه بر کتاب‌های نام برده شده، آثار ارزنده دیگری درباره نهج‌البلاغه به نگارش درآمده است که در هیچ یک از قالب‌های پنجگانه گذشته نمی‌گنجد، بلکه ما آنها را به عنوان کتاب‌های متفرقه مطرح می‌کنیم که البته این دست از کتاب‌ها دو گونه‌اند: اول، کتاب‌هایی که با عنوان نهج‌البلاغه (مانند سیری در نهج‌البلاغه، آموزش نهج‌البلاغه و ...) نوشته شد. دوم، کتاب‌هایی که با عناوین دیگر نوشته شد، ولی از نهج‌البلاغه خیلی استفاده کرده و اینگونه کتاب‌ها نیز فراوان یافت می‌شوند.

درباره کتاب‌شناسی نهج‌البلاغه مطالب زیادی را می‌توان مطرح کرد.

اسناد و مدارک نهج البلاغه

درباره اسناد و مدارک نهج البلاغه مطالب بسیاری قابل بحث و بررسی است که به بخش اندکی از آنها خواهیم پرداخت.

اهمّ مباحث قابل طرح عبارتند از:

۱- اثبات وجود سند و مدرک برای نهج البلاغه.

۲- آشنایی با ادّعاها و شبهات مخالفان انتساب نهج البلاغه به امام علی (ع) و پاسخ‌های آنها.

اثبات وجود سند و مدرک برای نهج البلاغه

پیدایش شیوه نادرست جعل حدیث و نسبت دادن دروغ به پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) سبب شد فرهنگ ذکر نام راویان حدیث در میان دین‌شناسان و کاربران حدیث رایج گردد؛ زیرا نزدیک‌ترین راه برای پی بردن به صحت و سقم حدیث همین بود.

از این رو، علوم ارزشمندی چون رجال، درایه و علم الحدیث پایه‌ریزی شد. در این علوم، انواع حدیث (صحیح، حسن، موثق، ضعیف، مجهول، متواتر، آحاد، مسند، مرسل و ...) و جوانب گوناگون آن به بوته نقد و تحلیل کشیده شد.

گرچه در میان اندیشوران حدیثی شیعه برای حدیث‌های مرسل جایگاهی در نظر گرفته نشد جز مرسلات اصحاب اجماع^{۷۸} (که حدیثی از غیر ثقه نقل نمی‌کردند) و طبق نظر برخی، ۲۰۵۰ مرسله صدوق در من لا یحضره الفقیه.

اما نهج البلاغه که برخی آن را مرسله سیدرضی می‌خوانند چون بدون ذکر سند گردآوری شد، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا جنبه‌های ادبی و بلاغی آن که مد نظر سید رضی بود و شاید به

^{۷۸} - اصحاب اجماع هیجده نفر هستند که شش نفر از آنان اصحاب صادقین (ع) (زرارة بن أعین، معروف به خربوز، برید بن معاویه، ابوبصیر، فضیل بن یسار، و محمد بن مسلم)، شش نفر از اصحاب امام صادق (ع) (جمیل بن درّاج، عبدالله بن مسکان، عبدالله بن بکیر، حمّاد بن عثمان، حمّاد بن عیسی و أبان بن عثمان) و شش نفر دیگر از اصحاب امام کاظم و امام رضا (ع) (یونس بن عبدالرحمان، صفوان بن یحیی، محمد بن ابی عمیر، عبدالله بن مغیره، حسن بن محبوب و احمد بن محمد ابی نصر بزظی) هستند.

همان سبب از نقل سلسله سند خودداری کرد - تحت الشعاع معارف و الا و حجم وسیع آموزه‌های دینی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و ... نهج البلاغه واقع شده است.

در این نوشتار امکان طرح بحث مبسوطی درباره اثبات وجود سند برای نهج البلاغه نیست، ولی یادآوری چند نکته خالی از لطف نیست:

۱- ائمه اهل بیت (ع) و شاگردان مکتب آنها، در همه صحنه‌ها، خود را مقید به حفظ آثار علی (ع) و نقل سخنان آن حضرت می‌دانستند.

۲- بسیاری از دانشمندان شیعه و اهل سنت که پیش از سیدرضی می‌زیسته‌اند سخنان امیرالمومنین (ع) را جمع‌آوری نموده و آن را منتشر می‌کردند.^{۷۹}

مثال: خوارزمی در المناقب از ابوالفضل احمد بن ابی طاهر (دوست ابوعثمان جاحظ) روایت می‌کند: زمانی جاحظ^{۸۰} به ما گفت: از امیرالمومنین علی (ع) «صد کلمه‌ای» در دست است که هر کلمه آن با هزار کلمه برابری می‌کند و از نیکوترین سخنان عرب به شمار می‌رود، من در زمان‌های مختلف از جاحظ خواسته بودم که آن صد کلمه را جمع‌آوری نموده و به من املا نماید، به من وعده می‌داد ولی بخل ورزیده و از آن تغافل می‌کرد. تا اینکه در اواخر عمر، بخشی از نوشته‌هایش از جمله آن «صد کلمه» را که به خط خود نوشته بود، به من داد و آن صد کلمه عبارت است از این‌ها... .

آن صد کلمه را خوارزمی در کتاب المناقب خود نقل کرده است که بخشی از آن در نهج البلاغه نیز آمده است.^{۸۱}

^{۷۹} - رک: سید عبدالزهره حسینی، مصادر نهج البلاغه و اسانیده، ج ۱، ص ۳۸؛ نهج البلاغه و گردآورنده آن، ص ۱۸۰ و

^{۸۰} - ابوعثمان عمرو بن بحر معروف به جاحظ (۱۶۰-۲۵۵ هـ) از ادبا و سخن‌سرایان معروف عرب، مولف کتاب‌های

^{۸۱} - خوارزمی حنفی، المناقب، ص ۳۷۵-۳۷۴، حدیث ۳۹۵.

۳- محقق و مورخ بزرگ، علی بن الحسین مسعودی (متوفای ۳۴۶هـ) در کتاب مروج- الذهب و معادن الجواهر می‌نویسد: آنچه مردم از خطبه‌های وی (علی علیه‌السلام) به یاد سپرده‌اند چهارصد و هشتاد و چند خطبه است که بالبداهه ایراد می‌کرد و مردم آن را به حفظ و ثبت از هم می‌گرفتند.^{۸۲}

۴- علاوه بر دانشمندان پیش از سید رضی، محدثان و نویسندگان پس از او نیز کتاب‌هایی از سخنان آن حضرت گردآورده‌اند؛ مانند محدث نامدار شیعی در قرن ششم، عبدالواحد آمدی که در کتاب غررالحکم و دررالکلم ۱۱۰۵۰ مورد از کلمات امام(ع) را جمع‌آوری نموده است و ...

۵- با توجه به نکته‌های فوق، نتایج ذیل به دست می‌آید:

الف) کتاب‌های تاریخی و روایی تألیف شده پیش از سید رضی، اکثراً حاوی کلمات و آثار امام علی(ع) بوده و همه یا اکثر آنها مستند بوده‌اند و او نیز از همان منابع استفاده کرده است. ب) سید رضی بخشی از خطبه‌های موجود در منابع گذشته را در نهج‌البلاغه گردآورده است نه همه آنها را.

ج) اثبات این مدعا که شریف رضی با در اختیار داشتن کتاب‌خانه‌های بزرگ بغداد - که در آن روز قطب علمی جهان اسلام به شمار می‌آمد - به اسناد و مدارک کلمات امام(ع) دسترسی کامل داشته، کار چندان دشواری نیست.

د) سید رضی درصدد تهیه یک کتاب روایی محض نبوده تا سلسله سند آن را ذکر کند؛ بلکه می‌خواست با گردآوری نهج‌البلاغه اثری هنری و ادبی خلق نماید.

۶- برای اثبات این مطلب که در کتاب‌ها و منابع پیش از سید رضی، همه محتوای نهج-البلاغه وجود دارد، تلاش‌های زیادی در گذشته و حال انجام گرفته است.

بخشی از کتاب‌هایی که با این هدف و در این زمینه تألیف شده‌اند عبارتند از:

^{۸۲} - علی بن الحسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه پاینده، ج ۱، ص ۷۷۸.

- ۱- مدارک نهج البلاغه^{۸۳}: در این کتاب اسناد قسمتی از نهج البلاغه ارائه شده است.
- ۲- استناد نهج البلاغه^{۸۴}: در این کتاب نیز برای قسمتی از نهج البلاغه سند و مدرک ارائه شده است.
- ۳- بحثی کوتاه پیرامون مدارک نهج البلاغه^{۸۵}: در این کتاب اسناد پیش از سال چهارصد هجری بررسی شد و برای تعدادی از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها مدرک ارائه شده است.
- ۴- نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه^{۸۶}: در این اثر نفیس که تکمله نهج البلاغه نیز به شمار می‌آید، اسناد و مدارک قسمتی از نهج البلاغه و قسمت‌هایی از خطبه‌ها و نامه‌های نهج-البلاغه که سیدرضی تقطیع کرده بود را جمع‌آوری نموده است، این کتاب در هشت جلد به چاپ رسید.
- ۵- مصادر نهج البلاغه^{۸۷}: در این کتاب نیز اسناد قسمتی از نهج البلاغه ارائه شد.
- ۶- مصادر نهج البلاغه و اسانیده^{۸۸}: مولف این کتاب ارزشمند، با همتی بس بلند به جمع-آوری اسناد و مدارک تمام نهج البلاغه دست زد، که جز تعداد اندکی به مصادر اکثر خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه دست یافته است.
- گفتنی است گرچه مولف محترم، بر بسیاری از مدارک موجود در دیگر کتاب‌ها دست نیافت ولی این کتاب در نوع خود اثری بی‌نظیر است. (۴ جلد)
- ۷- اسناد و مدارک نهج البلاغه^{۸۹}

۸۳ - مولف، کاشف الغطاء

۸۴ - مولف، امتیاز علی عرشی.

۸۵ - مولف، رضا استادی

۸۶ - مولف، محمدباقر محمودی.

۸۷ - مولف، عبدالله نعمت.

۸۸ - مولف، سیدعبدالزهره حسینی (خطیب).

۸۹ - مولف، محمد دشتی.

۸- روات و محدثین نهج البلاغه^{۹۰}

در بسیاری از شرح‌ها و تفسیرهای نهج البلاغه و کتاب‌های دیگر نیز اسناد و مدارک بخش-هایی از نهج البلاغه ارائه شده است.

شبهه‌های مخالفان انتساب نهج البلاغه به امام علی(ع) و پاسخ‌های آنها^{۹۱}

برای برخی از گذشتگان دشوار بود که بپذیرند نهج البلاغه نمونه‌ای از کلام امام امیرالمومنین(ع) و نموداری است از خط مشی کلی آن حضرت در دین و سیاست و اداره مملکت و برنامه‌ای که وی می‌خواست در زمان خلافت خود آن را به اجرا درآورد. از این رو، آن را آماج تیرهای شک و تردید قرار داده و پنداشته‌اند که نهج البلاغه از سخنان امام(ع) نیست، بلکه سید رضی آن را ساخته و به امام(ع) نسبت داده است. به نمونه‌هایی از این افراد اشاره می‌کنیم.

ابن خلکان در وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۳.

صفدی در الوافی بالوفیات، ج ۲، ص ۳۷۵.

یافعی در مرآة الجنان، ج ۳، ص ۵۵.

ابن حجر عسقلانی در لسان المیزان، ج ۴، ص ۲۲۳.

جرجی زیدان در تاریخ آداب اللغة العربیه، ج ۲، ص ۲۸۸.

دکتر احمد امین مولف فجر الاسلام و

و بدین ترتیب، همه این گروه شک‌آوران، بدون اینکه سابقه‌آشنایی در میانشان باشد، با یکدیگر همدستی و همفکری کرده‌اند تا بنای سر به فلک ساییده‌ای که نهج البلاغه بنیان نهاده است را ویران سازند.

^{۹۰} - مولف، محمد دشتی.

^{۹۱} - رک: کتاب نهج البلاغه و گردآورنده آن (مقاله نهج البلاغه از کیست؟؛ نویسنده شیخ محمد حسن آل یاسین، مترجم

محمود عابدی) صص ۲۶۲-۲۰۳.

«يُرِيدُونَ لِيُطْفَئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»^{۹۲}؛ می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا گر چه کافران را ناخوش افتد نور خود را کامل خواهد گردانید.»

با توجه به شبهه فوق ناچاریم در این مسئله دقت بیشتری کنیم و آن را بررسی نموده و پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای ارائه دهیم.

شبهه‌ها و پاسخ‌ها

آنان که در انتساب نهج‌البلاغه به امام علی(ع) تردید دارند و آن را ساخته و پرداخته سیدرضی می‌دانند که به امام(ع) نسبت داده، ادله‌ای اقامه می‌کنند که در واقع شبهه‌های بیش نیست. ما به برخی از آنها اشاره نموده و پاسخ می‌دهیم.

شبهه اول: در نهج‌البلاغه نسبت به اصحاب رسول خدا(ص) تعریض وجود دارد (مانند خطبه سوم) که با مقام و خلق و خوی امام(ع) تناسبی ندارد.

پاسخ: اولاً، با توجه به معنای اصحاب (هم‌نشین) هرگز هماهنگی و اتفاق در رأی و عقیده را برای دو مصاحب ثابت نمی‌کند و نمی‌توان تمام کسانی که عنوان صحابه اصطلاحی بر آنان صدق می‌کند را از هر خطا و لغزشی مبرا دانست؛ زیرا تاریخ خلاف آن را اثبات کرده است و حتی قرآن، پیامبر اکرم(ص) را صاحب (مصاحب = هم‌نشین) اهل مکه و مشرکان می‌خواند: «مَا بِصَاحِبِكُمْ مِّنْ جِنَّةٍ»^{۹۳} پس نمی‌توان گفت هر کسی که با رسول خدا(ص) هم‌زمان بود و هم‌نشین شد مبراً و منزّه از هر عیب و نقص است و کسی حق تعریض و انتقاد به آنان را ندارد.

ثانیاً، خود رسول خدا(ص) برخی از اصحابش را اینگونه معرفی می‌کند: (در قیامت) گروهی از شما برای شفاعت به سوی من خواهند آمد درحالی که در برابر من برخود می‌لرزند،

۹۲ - صف، آیه ۸.

۹۳ - سبأ، آیه ۴۶.

بر آن می‌شوم که از آنان شفاعت کنم و می‌گویم: «خدایا! اینان از اصحاب منند». ندا می‌رسد: «نمی‌دانی بعد از تو چه کردند؟!»^{۹۴}

و در روایت دیگری از رسول خدا(ص) نقل شده که فرمود: ... من می‌گویم: «اینان امت منند». ندا می‌رسد: «نمی‌دانی که آنان چگونه به گذشته باز پس گشتند؟» - «و یا آنچه را آنان بعد از تو تغییر دادند نمی‌دانی؟».

و در حدیث دیگر از رسول خدا(ص) فرمود: لعنت بر شما (یا وای بر شما) باد اگر بعد از من به کفر بازگردید که در آن حال، خون بعضی از شما به دست بعضی دیگر ریخته خواهد شد.^{۹۵} و یا درباره برخی از صحابه رسول خدا(ص) آیة‌های نکوهش‌گر نازل شد، مانند ولید بن عقبه، اخنس بن شریق و ... یا در زمان خلفا، به سبب انجام گناه کبیره بر بعضی از آنان حد شرعی جاری شده است.

اینان هستند برخی از اصحاب رسول خدا(ص) و اگر منافقین، ناکثین، قاسطین و مارقین را به آنان اضافه کنیم اول کسی که آنان را مورد تعریض قرار داد، خدا و رسول او بوده‌اند. پس همه اصحاب رسول خدا منزّه از هر عیب و نقص نبوده‌اند.

نتیجه: تعریض به بعضی از اصحاب نمی‌تواند دلیل باشد بر این که این سخنان از امیرالمومنین(ع) نیست؛ چون نه تعریض بر اصحاب گناه‌کار، حرام است و نه با خلق و خوی امام(ع) منافات دارد.

شبهه دوم: برخی از خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه طولانی‌اند، که با فصاحت و بلاغت عصر امام علی(ع) سازگار نیست؛ زیرا روش بلیغان در آن عصر خطبه‌های کوتاه بود.

^{۹۴} - صحیح بخاری.

^{۹۵} - سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۰۰.

پاسخ: طولانی یا کوتاه بودن خطبه‌ها هیچ ضرری بر بلاغت و فصاحت نمی‌رساند؛ زیرا بلاغت یعنی سخن گفتن بر طبق مقتضای حال و رساندن صحیح مطلب به شنونده، اعم از این که سخن کوتاه باشد یا طولانی.

مؤید: در حالات سبحان بن وائل، بلیغ و سخن سرای معروف عرب در آن عصر، آورده‌اند که روزی پس از نماز ظهر تا اول وقت عصر - حدود سه ساعت - در حضور معاویه در شام سخنرانی کرد و مورد تحسین هم واقع شد و کسی نگفت این تطویل برخلاف بلاغت است و اینگونه نیز نقل کرده‌اند که او گاهی از صبح تا ظهر خطبه می‌خواند.

پس طولانی بودن برخی خطبه‌های نهج البلاغه منافاتی با روش بلیغان عصر امام(ع) ندارد. **شبهه سوم:** وجود سجع، موازنه و و دیگر آرایش‌های لفظی در نهج البلاغه است که عرب‌ها بعد از دوران امام علی(ع) با آنها آشنا شدند و در زمان امام کسی از آنها استفاده نمی‌کرد، پس خطبه‌های نهج البلاغه نمی‌تواند از علی(ع) باشد.

پاسخ: اولاً؛ این ادعا باطل است؛ زیرا وجود قرآن پیش از خطبه‌های امام(ع) با این همه سجع، موازنه و آرایش‌های ادبی و لفظی دلیل قاطعی است بر وجود آنها حتی در زمان پیش از امام علی(ع).

ثانیاً؛ اصولاً عرب، علی(ع) را معلم فصاحت و بلاغت خود می‌داند و حتی سرسخت‌ترین دشمن او به این مطلب اعتراف دارد. از باب «الفضل ما شهدت به الأعداء» به این نکته توجه کنید. محفن بن ابی محفن از علی(ع) روگردانده و به معاویه پیوست! در پاسخ سوال معاویه که از کجا می‌آیی؟ گفت: از نزد بی‌زبانترین مردم به نزد شما می‌آیم. این سخن ناروا معاویه را به خشم آورده و گفت: وای بر تو! به علی نسبت بی‌زبان‌ترین مردم می‌دهی؟! قریش پیش از علی از فصاحت خبری نداشت و این علی بود که به قریش درس فصاحت آموخت.^{۹۶}

^{۹۶} - رک: بهج الصباغه، ج ۱، ص ۵۹، (چاپ امیرکبیر و تحقیق بنیاد نهج البلاغه)؛ شرح ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۴ (چاپ

بیروت، با تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم).

خوشتر آن باشد که سرّ دلبران گفته آید در حدیث دیگران^{۹۷}

شبهه چهارم: در نهج البلاغه از شگفتی‌های آفرینش سخن به میان آمد؛ مانند تعریف و توضیح حالات و چگونگی خفاش، مورچه، ملخ، طاووس و ... افزون بر اینکه اینگونه سخنان در کلمات دیگر اصحاب پیامبر نیامده است.

اصولاً آشنایی علمی با این گونه موجودات، پس از پیدایش ترجمه کتاب‌های علمی یونانی و ایرانی به وقوع پیوست و در زمان امام علی(ع) هنوز کتابی از یونان یا ایران به زبان عربی ترجمه نشده بود و یا آنکه اصلاً در مدینه و اطراف آن، طاووس پیدا نمی‌شود تا علی(ع) آن را ببیند و آنگونه در خطبه ۱۶۵ درباره آن سخن بگوید.

پاسخ: اولاً؛ آیا عدم آگاهی دیگر اصحاب رسول خدا(ص) می‌تواند دلیل بر عدم آگاهی امام علی(ع) هم باشد؟! زیرا او خیلی چیزها را می‌دانست که دیگر اصحاب نمی‌دانستند؛ چرا که از علم خدادادی بهره‌مند بود. از این رو، رسول خدا(ص) آن حضرت را دروازه شهر دانش خویش معرفی فرمود: «انا مدینة العلم و علی بابها، فمن اراد المدینة والحکمة فلیأتها من بابها» و برای همین بود که در حالات عمر نقل کرده‌اند که هفتاد بار گفت: «لولا علی لهلك عمر؛ اگر از دانش علی بهره نمی‌بردم، هلاک می‌شدم.» و دلیل آن آشکار است.

ثانیاً، اگر در مدینه طاووس پیدا نمی‌شد، آیا در جای دیگر هم نمی‌شد به آن دست یافت؟ مانند خیبر، یمن، ینبع، کوفه، مدائن، مکه و نقاطی دیگر که علی(ع) به آن مکانها سفر کرده است.

ثالثاً، اگر کتاب‌های علمی ایران و یونان به عربی ترجمه نشده بود، علمی در اسلام وجود نداشت؟ آیا علی نبود که در منبر کوفه می‌فرمود: «سلونی قبل أن تفقدونی، فلانّا بطرق السماء اعلم

مِنِي بِطَرَقِ الْأَرْضِ^{۹۸}؛ ای مردم! پیش از آنکه مرا نیابید آنچه می خواهید پرسید که من به راه های آسمان از راه های زمین آشناترم.»

و یا در جای دیگر فرمود: «فاسألونی قبل ان تفقدونی، فوالذی نفسی بیده لا تسألونی عن شیء فیما بینکم و بین الساعة، ولا عن فئۃ تهدی مئةً و تضلّ مئةً الا انبأْتُکم^{۹۹}؛ پس از من پرسید پیش از آن که مرا از دست بدهید، سوگند به کسی که جانم در دست قدرت اوست ممکن نیست از چیزی بین امروز تا قیامت از من پرسید ... جز آنکه شما را به آن آگاه کنم.»

آیا شناخت موجوداتی مانند طاووس، مورچه، ملخ و خفاش برای مردی چون علی (که بر اساس عقیده شیعه از علم الهی بهره مند و وارث علوم نبوی است) دشوارتر از علم به ملکوت عالم یا خبرهای غیبی دیگر بود؟ پس نکته های علمی نهج البلاغه نشأت گرفته از سرچشمه علم الهی علی (ع) است نه برگردان کتاب های ایران و یونان.

شبهه پنجم: برخی از عبارات های نهج البلاغه که از آینده خبر می دهد، نشان از آن دارد که آن حضرت عالم به غیب بوده است با این که علم غیب، مخصوص خداوند و پیامبر (ص) است. **پاسخ:** آری، در نهج البلاغه از آینده شهرهایی مانند کوفه و بصره و نیز از آینده افرادی چون معاویه، مروان، فرزندان مروان، حجاج، صاحب زنج و ... و همچنین از آینده اقوامی مانند خوارج، بنی امیه، بنی عباس، مغول و ... خبر داده شده.

اولاً، این خبرها در غیر نهج البلاغه و منابع پیش از آن هم یافت می شود. ثانیاً، اگر خدا و رسولش از علم غیب آگاهی دارند، علی (ع) نیز باید از آن بهره مند باشد؛ زیرا به سند معتبر از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمود: «انا مدینة العلم و علی بابها» اگر غیر از علی (ع) اینگونه سخن می گفت جای تعجب بود، ولی از دروازه شهر دانش نبوی (علی

^{۹۸} - نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹.

^{۹۹} - نهج البلاغه، خطبه ۹۳.

علیه‌السلام) هیچگونه تعجبی ندارد و عبارت‌های خطبه ۹۳ که در پاسخ شبهه پیشین ذکر شد پاسخ این شبهه هم می‌تواند باشد. به علاوه امام(ع) در خطبه ۱۲۸ تصریح می‌کند که این خبر دادن از آینده ناشی از علم غیب نیست، بلکه این سخنانی است که از پیامبر(ص) آموخته‌ام و علم غیب (علم به قیامت، باران و جنین) تنها از آن خداوند است.

این بود خلاصه برخی از شبهات منکران انتساب خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه به علی(ع) و جواب آنها.

داوری ابن ابی‌الحدید درباره این شبهه‌ها

از دیرباز گروهی از دانشمندان منصف، ادیبان و محققان، با پدیده شبهات مذکور، در باب انتساب نهج‌البلاغه به امام علی(ع) به مبارزه برخاستند و آن را به شدت رد کردند؛ از جمله این افراد ادیب و محقق توانای اهل سنت ابن ابی‌الحدید معتزلی متوفای ۶۵۶ هـ.ق. است. وی در شرح نهج‌البلاغه می‌گوید: بسیاری از هواپرستان می‌گویند: بخش عظیمی از نهج‌البلاغه را دسته‌ای از سخنوران شیعه ساخته و پرداخته و چه بسا قسمت‌هایی از این کتاب را به سید رضی نسبت داده‌اند. اما اینان کسانی‌اند که پردهٔ عصبیت، دیدهٔ حقیقت بین آنان را کور کرده است و از راه مستقیم و آشکار حق، منحرف گشته‌اند. برای اینکه نادرستی این پندار را به اختصار روشن کنم باید بگویم: وضع نهج‌البلاغه بنابراین تصور که از علی نباشد از دو حال خارج نیست: یا همه نهج‌البلاغه از علی نیست و یا بخشی از آن.

اما سستی و بطلان صورت اول به خوبی آشکار است؛ زیرا صحت اسناد برخی از قسمت‌های آن به علی(ع) به تواتر ثابت شده و همه یا اغلب محدثان و بسیاری از مورخان قسمت‌های زیادی از آن را نقل کرده‌اند و چون شیعه نبوده‌اند کسی نمی‌تواند نقل آنان را به غرضی حمل کند.

اما صورت دوم؛ این نیز همان معنا را تأیید می‌کند، چون کسی که به آیین سخن و خطابه آشنا و مأنوس باشد و از علم بیان طرفی بسته باشد و در این زمینه از ذوقی سالم و مجرب برخوردار باشد، بی‌تردید سخن رکیک و فصیح و افصح و کلام اصیل و نو آمد و جدید را باز

می‌شناسد و چنانچه در برابر دفتری شامل مجموعه‌ای از سخنان دو یا چند خطیب قرار گیرد، اختلاف سبک و تفاوت سخن را درمی‌یابد.

چنانکه ما به سبب آشنایی و معرفتی که به شعر و نقد آن داریم، وقتی دیوان ابی تمام را ورق بزنیم و در میان شعر او قصیده یا قصایدی از دیگران باشد به کمک ذوق، آن را از شعر ابی تمام تمیز می‌دهیم. برای اینکه شعر او و روش و سبک و اندیشه او با دیگران تفاوت‌های محسوسی دارد. وقتی یک خواننده به تأمل در نهج‌البلاغه می‌اندیشد، همه آن را آب زلالی از یک سرچشمه، برخوردار از یک روح و جوهر و دارای یک سبک می‌یابد.^{۱۰۰}

با توجه به شبهات و پاسخ‌های آن‌ها در می‌یابیم که نهج‌البلاغه کتابی است که از چشم سار زلال حکمت و دریای بی‌پایان علوم الهی و دروازه‌بان دانش نبوی (امام علی علیه‌السلام) سرچشمه گرفته است.

^{۱۰۰} - ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۰، صص ۱۲۹ - ۱۲۷.